

گونه‌شناسی کار کودکان و آسیب‌های ناشی از آن بر کودکان کار در شهر تهران^۱

پریسا پیرخندان*، ستار پروین**، فاطیما سیاهپور***

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۳/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۲۷

چکیده

کار کودکان یکی از آسیب‌های اجتماعی بسیار مهم در جهان است. بسیاری از کودکان در شرایط بهره‌کشانه‌ای کار می‌کنند و مورد استثمار قرار می‌گیرند. در کشور ایران تاکنون سیاست‌ها و مداخلات چندان در زمینه حذف کار کودک کارآمد نبوده است. لذا با توجه به تنوع و گستردگی انواع کار کودکان و آسیب‌های ناشی از کار اجباری بر آنها، پژوهش حاضر تلاش کرده تا با گونه‌شناسی کار کودکان در شهر تهران، دسته‌ها و رده‌های شغلی فعالیت بهره‌کشانه کودکان و مسائل و پیامدهای ناشی از هر یک از انواع مشاغل بر کودکان را شناسایی کند تا از طریق شناخت درست بتوان به طرح‌ریزی اقدامات لازم برای هر گونه شغلی کودکان در راستای کاهش و حذف کار کودکان کمک نمود. این پژوهش به روش کیفی بوده و از طریق مطالعه اسنادی که در آن نمونه‌گیری به شیوه تعمدی و نظری بوده و نیز مصاحبه نیمه ساخت یافته با ۱۵ نفر از مطلعین کلیدی حوزه کار کودکان انجام شده است. داده‌ها با استفاده از تحلیل تماتیک تجزیه و تحلیل شده و در نهایت بر اساس یافته‌های پژوهش گونه‌های کار کودکان در هفت دسته شامل کار کارگاهی، دستفروشی، خدمات خیابانی، زباله‌گردی، تکدی، کار خانگی و مشاغل بزهکارانه سنخ بندی شده و مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌های پژوهش ضمن تأیید پژوهش‌های پیشین، تلاش دارد تا بر اساس یک رویکرد کل‌نگر به مسئله شناخت واقع‌بینانه کار کودک بپردازد. به گونه‌ای که این شناخت مبنای پژوهش‌ها و اقدامات علمی و عملی سیاست‌گذاران و نهادهای متولی سلامت و رفاه کودکان قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: کار کودک، کودک کار، کار بهره‌کشانه، آسیب اجتماعی، تهران

۱- نتایج این پژوهش حاصل مطالعه‌ای است که با حمایت مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهرداری تهران در سال ۱۳۹۹ به انجام رسیده است.

* کارشناسی ارشد مدیریت خدمات اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).

pirkhandan@gmail.com

sparvin1359@gmail.com

** دانشجویار گروه مددکاری اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

*** کارشناسی ارشد علوم تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، تهران، ایران.

seiahpour.64@gmail.com

بیان مسئله

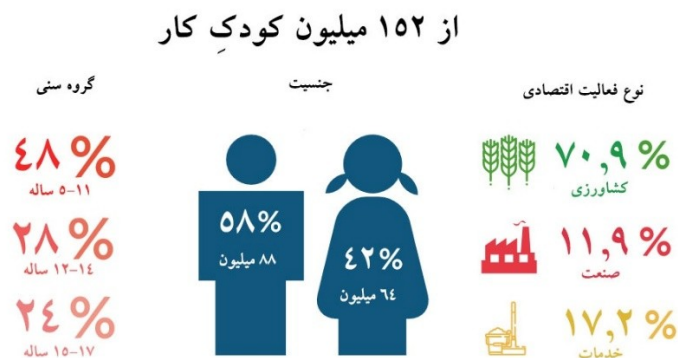
مسائل اجتماعی در جوامع در حال توسعه نظیر ایران تا حدودی با جوامع توسعه یافته متفاوت است. آنچه در جوامع در حال توسعه لازم به توجه است عدم هم‌خوانی رشد صنعت و تکنولوژی با رشد فرهنگی، اجتماعی و مدنی می‌باشد که باعث بروز آسیب‌های اجتماعی جدید و استمرار و تشدید آسیب‌های اجتماعی پیشین شده است. یکی از مهم‌ترین آسیب‌های اجتماعی در این جوامع مسئله کار اجباری کودکان^۱ است. کار اجباری کودکان کودکان شامل هرگونه فعالیت بهره‌کشانه است که نامتناسب با سن کودک به او تحمیل می‌شود و سلامت جسمی، اجتماعی و روان و نیز فرایند رشد و پرورش او را مورد تهدید قرار می‌دهد و انواع گوناگونی دارد که شامل کارهای خطرناک (کار در معدن، ماشین‌آلات صنعتی و ...)، بدترین اشکال کار کودک (زباله‌گردی و ...) و کارهای کمتر خطرناک (کشاورزی، کار خانگی و ...) می‌باشد.

برخی از این انواع از دیرباز در میان اقوام وجود داشته و برخی نیز با صنعتی شدن جوامع پدیدار گشته‌اند. اما به مرور پس از صنعتی شدن و توسعه جوامع و اهمیت یافتن دوره کودکی و سیاست‌گذاری‌های مربوط به رفاه و حقوق کودکان، کار کودک در بسیاری جوامع ممنوع گردید و قوانین و کنوانسیون‌های بین‌المللی کشورها را از به‌کارگیری کودکان در فعالیت‌های اجباری و بهره‌کشانه منع کرده‌اند. اما با وجود گذشت حدود سه دهه از تصویب قوانین ممنوعیت کار کودکان، هنوز کودکان بسیاری در سراسر جهان در فعالیت‌های اقتصادی بهره‌کشانه و آنچه مغایر با تعاریف جدید در حوزه حقوق مدنی و رفاه اجتماعی کودکان است، شرکت دارند. هم‌چنین تنوع انواع کار کودکان و اشتغال آنان در کارهای خطرناک که بر اساس تعریف سازمان بین‌المللی کار^۲ جزو بدترین اشکال کار کودک مانند بردگی به علت بدهی و رعیتی و کار با زور یا اجباری، محسوب می‌شوند، در سال‌های اخیر همچنان در جریان است و کودکان زیادی از آن آسیب می‌بینند.

1. Forced Child labour
2. ILO

گونه شناسی کار کودکان و آسیب های ناشی از...، پیرخدان و همکاران | ۱۱۷

آخرین آمارهای سازمان بین‌المللی کار حاکی از آن است که ۱۵۲ میلیون کودک در سراسر جهان کودک کار هستند، چیزی حدود ۱۰ درصد کل کودکان جهان (شکل ۱). این آمار با احتساب کودکانی که در قوانین مختلف برای کار مجاز شناخته شده اما در قانون کار بین‌المللی زیر ۱۸ سال هستند، به ۲۱۸ میلیون کودک می‌رسد (ILO, 2017: 11). از ۱۵۲ میلیون کودک کار، ۷۳ میلیون آنها در کارهای خطرناک فعالیت دارند.



شکل ۱- وضعیت کودکان کار در جهان (ILO, 2017)

در ایران نیز با این که ایران از امضاکنندگان پیمان‌نامه حقوق کودک^۱ و نیز مقاله‌نامه شماره ۱۸۲ سازمان بین‌المللی کار^۲ است و ممنوعیت کار کودک کمتر از ۱۵ سال در قوانین داخلی ایران نیز به تصویب رسیده، اما شواهد درباره کودکان کار نشان‌دهنده عدم تغییرات اساسی در وضعیت این کودکان می‌باشد و کودکان کار و آسیب‌های ناشی از این مسئله اجتماعی دائماً در حال بازتولید است. هنوز هم کودکان بسیاری در این کشور از

۱- دولت ایران در اسفند ۱۳۷۲ رسماً کنوانسیون حقوق کودک را پذیرفت. مشروط بر این که مفاد آن در هر مورد و هر زمان در تعارض با قوانین داخلی و موازین اسلامی باشد یا قرار گیرد از طرف دولت ایران لازم‌العیار نباشد.
۲- دولت ایران هشتم آبان ۱۳۸۰ به این مقاله‌نامه پیوست. در مقدمه این مقاله‌نامه ضمن در اولویت قرار دادن مسئله ممنوعیت بدترین اشکال کار کودک، بر لزوم تصویب اسناد جدید به منظور تکمیل مقاله‌نامه شماره ۱۳۸ در زمینه حداقل سن اشتغال تأکید شده است.

حقوق ابتدایی خود محروم بوده و به اشکال مختلفی در فعالیتهای اقتصادی بهره‌کشانه و حتی اشتغال در کارهای خطرناک^۱ که بر اساس ماده ۳ قانون تصویب کنوانسیون ممنوعیت و اقدام فوری برای محو بدترین اشکال کار کودک^۲ مورد اقدام فوری است، مشارکت دارند. بر اساس گزارش شاخص‌های عدالت اجتماعی که در سال ۱۳۹۹ از سوی مرکز آمار ایران منتشر شده، فقط تعداد کودکان کاری که در سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۸ تحت پوشش سازمان بهزیستی قرار داشته‌اند به شرح زیر می‌باشد:

جدول ۱- تعداد کودکان کار تحت پوشش سازمان بهزیستی (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۹: ۲۸ و ۴۰)

سال	کودکان کار	کودکان فعال اقتصادی ۱۰ تا ۱۴ ساله
.....۱۳۹۵	۳۵۴۰	۶۸۰۵۵
.....۱۳۹۶	۶۳۳۱	۸۴۴۶۷
.....۱۳۹۷	۸۵۵۶	۸۷۷۱۵
.....۱۳۹۸	۵۷۵۳	۳---

بنابراین مسئله اصلی پژوهش حاضر شناسایی انواع کار کودکان در شهر تهران است با این هدف که بتوان با طراحی مداخلات متناسب با هرگونه شغلی، اقدامات لازم را در راستای کاهش و نهایتاً حذف کار کودکان عملی نمود.

اهمیت و ضرورت پژوهش

کار کودکان از دیرباز در جوامع رواج داشته، اما با تحولات صنعت و تکنولوژی و قدرت یافتن تشکلهای کارگری و نهادهای مدنی، قوانین و پیمان‌نامه‌هایی در این حوزه به تصویب رسید که بر اساس آن کار کودک به‌عنوان "هرگونه بهره‌کشی اقتصادی و انجام

1. Hazardous Work

۲- برای مطالعه کامل این قانون رجوع کنید به: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/93652>

۳- از سال ۱۳۹۸ و با توجه به تحولات اجتماعی، سن ورود به بازار کار حداقل ۱۵ سال در نظر گرفته شده است.

هرگونه کاری که ممکن است خطرناک باشد یا خللی در تحصیل کودک وارد آورد، و یا به سلامتی کودک یا رشد جسمانی، ذهنی، اخلاقی یا اجتماعی او آسیب رساند^۱، ممنوع شد و وارد حوزه سیاست گذاری اجتماعی گردید. باید توجه داشت که کار کودک اگر با میل و رضایت و باهدف افزایش توانمندی ها و مهارت های فنی، حرفه ای و اجتماعی او باشد بسیار مفید بوده و بخشی از فرایند رشد و پرورش منجر به مشارکت و توانمندی کودک خواهد بود.

اما در بسیاری موارد کار کودکان به صورت اجباری و با اهداف اقتصادی و کسب درآمد صورت می پذیرد و این نوع کار نه فقط مغایر با رشد و رفاه کودک است بلکه مانع از استفاده از فرصت های کسب مهارت، توانمندی و حرفه آموزی می شود و در موارد بسیاری سلامت، تحصیل و کودکی آنها را تهدید می کند. اجبار کودکان به کار در وجوه دیگر زندگی و حقوق آنها نظیر رشد و پرورش مطلوب، سلامت و تحصیلشان نیز اثرات منفی داشته و شرایط کودکان را در تعارض با مفاد پیمان نامه ها و معاهدات حقوق کودک _ ماده ۲۸ پیمان نامه حقوق کودک ناظر بر مسئولیت دولت بر حق آموزش همه کودکان، ماده ۳۲ پیمان نامه حقوق کودک ناظر بر ضرورت حمایت کودک در برابر بهره کشی اقتصادی و مشاغل خطرناک که مانع تحصیل و سلامت کودک می شود، ماده ۲۷ پیمان نامه حقوق کودک ناظر بر مسئولیت دولت در جهت کمک به والدین در تأمین شرایط زندگی لازم برای رشد کودک و همچنین ماده ۳۱ پیمان نامه حقوق کودک در زمینه به رسمیت شناختن حق کودک برای استراحت، داشتن اوقات فراغت، پرداختن به بازی و فعالیت های تفریحی مناسب با سن کودک و مشارکت آزادانه در زندگی فرهنگی و هنری قرار داده است.

با توجه به وجود زیرساخت های حقوقی و مدنی جهت حل مسئله کار کودک، به نظر می رسد تمرکز پژوهشگران بر این حوزه می تواند راهگشای اقدامات مؤثر در جهت بهبود

۱- ماده ۳۲ پیمان نامه حقوق کودک، مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹

شرایط کودکان در جامعه باشد. گونه‌شناسی اشکال کار کودک می‌تواند یک گام پژوهشی جهت شناسایی وضعیت کار کودکان در ایران و کلان‌شهر تهران و حمایت‌های اجتماعی و حقوقی از آنان در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های آتی باشد.

پیشینه پژوهش

در زمینه کار کودکان، عمدتاً پژوهش‌های داخلی و خارجی موجود به علل و پیامدهای کار کودکان پرداخته و انواع کار کودکان در فرایند انجام چنین موضوعاتی بیان گردیده‌اند. هم‌چنین به دلیل این که بخشی از یافته‌های پژوهش از طریق مطالعه اسنادی و مرور نظام‌مند مطالعات همسو بوده، یافته‌های بسیاری از مطالعات در قسمت یافته‌های پژوهش بیان شده‌اند. با این حال، پژوهش‌های اندکی نیز در زمینه انواع کار کودکان انجام شده که تاریخ انجام آنها سال‌ها پیش بوده که در ادامه به برخی از آنها پرداخته می‌شود.

در پایان‌نامه کارشناسی ارشد آقاجان (۱۳۹۵) که با عنوان «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر پیدایش کودکان کار در شهر تهران» انجام شد، یافته‌ها حاکی از آن بود که انواع مشاغل کودکان ۱۰ تا ۱۸ ساله به‌عنوان جامعه آماری این پژوهش کار در صنایع و کارخانجات، واحدهای کوچک و حتی در دست‌فروشی و ... بوده است.

وامقی و همکارانش (۱۳۹۴) در «بررسی ترکیبی و ارزیابی سریع وضعیت کودکان خیابانی و ویژگی‌های کار آنان در تهران» دریافته‌اند که بیشتر کودکان خیابانی تهران به کارهای متعارفی چون دست‌فروشی و نیمه‌متعارفی چون زباله‌گردی می‌پردازند. آن‌ها هم‌چنین قبل‌تر در مرور نظام‌مند ۴۰ مطالعه درباره وضعیت کودکان خیابانی شهر تهران تا سال ۱۳۸۶ اظهار داشته‌اند که بر اساس مطالعات مختلف انواع فعالیت‌های کودکان برای کسب درآمد شامل انواع دست‌فروشی، شاگردی مغازه، پادویی سینما، واکس‌زدن، جمع‌آوری ضایعات، شستشوی اتومبیل، وزن‌کشی، باربری، جارچی‌گری، تکدی، سرقت،

گونه شناسی کار کودکان و آسیب های ناشی از...، پیرخدان و همکاران | ۱۲۱

مال خری و باج گیری بوده است. دستفروشی بالاترین فراوانی را در میان مشاغل کودکان دارد (۶۸/۵٪)، اما در مطالعات به تکدی، دزدی و تن فروشی نیز اشاره شده است.

پژوهشی که در سال ۱۳۹۳ توسط سازمان بهزیستی بر روی ۵۰۰۰ کودک کار انجام شده است، انواع کارهای کودکان را در سه دسته ۱- متعارف شامل دستفروشی (۷۳،۲٪)، باربری و پادویی (۸،۶ درصد) و نوازندگی (۴،۶ درصد) ۲- نیمه متعارف شامل زباله گردی و جمع آوری ضایعات (۹/۶ درصد)، تکدی گری (۵،۷ درصد) ۳- نامتعارف شامل تن فروشی، خرید و فروش مواد مخدر و جیب بری (مجموعاً ۲٪) تفکیک کرده است.

آرزومندی و روشن پژوه در مطالعه خود (۱۳۸۱) دریافتند که ۳۹/۵٪ کودکان کار خیابانی به دستفروشی، ۲۲/۵٪ به کار در کارگاه ها، ۲۵٪ به کار در منازل، ۱۲/۵٪ به خیاطی، ۵٪ به واکس زنی و ۲/۵٪ به نواختن موسیقی می پردازند. یافته های مشابه این نتایج در زمینه انواع کار کودکان در پژوهش مشابهی توسط ایشان در سال ۱۳۸۹ نیز تأیید شده است.

صندوق کودکان سازمان ملل متحد (۱۳۷۷) در یک مطالعه توصیفی روی کودکان خیابانی شهر تهران که در سنین ۵ تا ۱۸ سال قرار داشتند به این نتیجه رسید که مشاغل رایج این کودکان شامل فروش شیرینی و شکلات، سیگار، آدامس، روزنامه، گل، فال، اجناس شیشه ای، واکس زدن، جمع آوری زباله و تعداد ناچیزی تکدی است.

در پژوهش های خارجی، نیز تعدادی پژوهش بر روی سنخ شناسی کار کودکان انجام شده است:

او کچ^۱ (۲۰۱۸) از گروه مددکاری اجتماعی دانشگاه کامنیوس اسلواکی، در مقاله ای با عنوان "مروری بر سنخ شناسی کار کودکان" به ادبیات مربوط به شیوه های کاری پرداخته که اثرات زیان باری بر روی کودکان دارد. او معتقد است سه معیار بخش اقتصادی (رسمی/غیررسمی)، نوع فعالیت شغلی (کشاورزی، معدنی، تولیدی) و منطقه جغرافیایی (روستایی/شهری) در طبقه بندی کار کودکان ملاک قرار می گیرند. او در نهایت کار

1. Okech

کودکان را در دو دسته "کار خطرناک" و "بدترین اشکال کارگری" شناسایی کرده است که تا حدودی مطابق با معیارهای سازمان بین‌المللی کار در دسته‌بندی کار کودکان است. رزاریو و بونگا^۱ (۲۰۰۰) در مرور مقالات مرتبط با مطالعات و سیاست‌های کودکان کار در فیلیپین به حوزه‌های کلی کار کودکان اشاره کرده‌اند. آن‌ها اظهار کرده‌اند که بر اساس مطالعات، سه صنعت مهم کشاورزی، تولید و خدمات و در دو بخش رسمی و غیررسمی، کودکان را به کار می‌گیرند و همچنین اشاره می‌کنند که در فرهنگ فیلیپین کار کودکان به‌ویژه در بخش صنعت، کار خانگی و بدون مزد بسیار رایج است. اوزبای^۲ (۱۹۹۹) در پروژه مطالعاتی برای ILO به بهره‌کشی از کودکان در کار خانگی پرداخته است. این پژوهش با هدف ارتقای سطح آگاهی اجتماعی نسبت به بهره‌کشی از کودکان تحت عنوان کار خانگی انجام شده و با کاوش اجتماعی و فرهنگی جامعه و شرایط گذشته و حال کودکان کار شاغل در بخش کار خانگی بدون مزد به ارزش‌هایی که سوءاستفاده از کار کودک را در خانه عادی می‌کند، پرداخته است. به‌طورکلی بیشتر پژوهش‌هایی که در زمینه کار کودکان انجام شده، به عوامل مؤثر، پیامدها و مداخلات با کودکان پرداخته‌اند. دسته‌بندی‌های کار کودکان نیز بیشتر حوزه‌های کلان صنعت نظیر کشاورزی، تولید و خدمات را موردبررسی قرار داده‌اند. بنابراین پژوهش حاضر با دسته‌بندی و مشخص نمودن حوزه‌های فعالیت شغلی کودکان با جزئیات بیشتر، تلاش دارد تا ابعاد مسئله کار کودک را به‌صورت عمیق‌تر و کاربردی موردبررسی قرار دهد و کمک کند تا تصمیمات و اقدامات متناسب با هرگونه شغلی درمجموع منجر به کاهش آسیب کودکان گردد.

1. Rosario & Bonga
2. Ozbay

مبانی نظری پژوهش

زندگی کودکان در شهرهای معاصر، زمینه پژوهشی پیچیده و تازه‌ای را برای سیاست‌مداران، جامعه‌شناسان، معماران و برنامه‌ریزان شهری فراهم آورده است. جوامع مختلف، رویکردهای گوناگونی به مسائل مربوط به کودکان دارند. اما آنچه در همه این جوامع مشترک است، این است که بزرگسالان برای کودکان تصمیم‌گیری می‌کنند و سیاست‌گذاری‌های رفاهی و اجتماعی توسط آنها برای کودکان انجام می‌شود. البته برخی جوامع ممکن است کودکان را در فرایندها مشارکت دهند اما اغلب کودکان از این مشارکت بی‌بهره بوده و تابع نظر بزرگسالان هستند. کرمانی (۱۳۹۰) معتقد است که شهرهای معاصر یکی از اصلی‌ترین عاملان خشونت علیه کودکان در دنیای مدرن است.

معماری شهرها، بر اساس اصول زیبایی‌شناسانه بزرگسالانه شکل گرفته و هدف آن ارتقای کیفیت زندگی شهروندانی است که کودکان عمدتاً در شمول آن نیستند. امروزه بزرگسالان جهان را اداره می‌کنند، آنان قدرت را دست دارند و تعیین می‌کنند که چه تغییراتی در چه زمانی و چه مکانی باید به وقوع بپیوندد و قانون‌گذاری و تصمیمات کلان ایشان برای توسعه و آبادانی شهر اغلب مبتنی بر شناخت ناکافی و مبهم از وضعیت محلی هست. این مسئله آن هنگام که برای کودکان و نوجوانان در محیط کلان‌شهرها برنامه‌ریزی می‌شود بیش‌ازپیش آشکار می‌گردد (حسین پور و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۴۵).

رویکردهای سه‌گانه اصلی آسیب‌شناسی اجتماعی هرکدام از نظرگاه خود به مسئله کار کودک نگریسته‌اند:

کارکردگرایی ساختی: سیگل^۱ (۲۰۱۷) اظهار می‌کند که بر اساس این رویکرد، نابرابری اقتصادی دائماً اعضای طبقه محروم و فرزندان آنان را طی دوره‌های زندگی‌شان با مشکل مواجه می‌کند. شرایط زندگی ناامیدکننده از دسترسی آنان به توسعه مهارت‌ها، عادات و سبک زندگی جلوگیری می‌کند. یکی از مفاهیم محوری این نگاه، بی‌سازمانی

1. Siegel

اجتماعی است که می‌تواند مولد آسیب‌های اجتماعی باشد. شاخص‌های بی‌سازمانی اجتماعی شامل بیکاری بالا، ترک تحصیل مدرسه، مسکن نامناسب، سطوح پایین درآمد و تعداد زیاد خانواده‌های تک‌والد می‌شود. برخی افراد در دستیابی به اهدافشان با محدودیت مواجه‌اند، زیرا نمی‌توانند همیشه به آنچه می‌خواهند دست یابند. در نتیجه در آن‌ها احساس محرومیت و خشم ایجاد می‌شود، شرایطی که از آن به‌عنوان فشار یاد می‌شود (ولد، ۱۳۸۰: ۲۳۸).

در کارکردگرایی ساختی، پیدایش مسئله کار کودک ناشی از اختلال در کارکرد خرده نظام‌های اجتماعی از جمله در حوزه خانواده و اقتصاد است. این رویکرد در بررسی آسیب‌های اجتماعی به شرایطی توجه دارند که منجر به ازهم‌گسیختگی، ضعف و تناقض و ناکارآمدی قواعد، هنجارها و ساخت‌های اجتماعی می‌شوند و عدم تعادل ساختاری و ضعف انسجام اجتماعی را به وجود می‌آورند. این نظریه بر واحدهای تحلیل بزرگ‌تری مانند ساختارها، خرده نظام‌ها، گروه‌ها و یا طبقات اجتماعی متمرکز می‌شود. فرض این رویکرد بر این است که کار کودکان ناشی از الگوی انطباق و سازگاری خانواده‌های محروم و به حاشیه رانده‌شده از فرایند ثروت، قدرت و منزلت در یک نظم اجتماعی نابرابر هست (حسینی، ۱۳۸۴).

دیدگاه کنش متقابل نمادین (فرایند اجتماعی): این رویکرد اعتقاد دارد که صرفاً فشار ساختار و فقر ناشی از آن عامل اصلی گرایش افراد به انحرافات و آسیب‌های اجتماعی نیست بلکه افزون بر آن، فرایند جامعه‌پذیری و اجتماعی شدن نیز عاملی تأثیرگذار در گرایش افراد به سوی آسیب‌های اجتماعی است. بر اساس دیدگاه کنش متقابل نمادین کار کودک معلول جامعه‌پذیری نامناسب از سوی عوامل و نهادهای اجتماعی از جمله خانواده و مدرسه است. خانواده به‌عنوان یک نهاد اجتماعی تأثیر بسیاری زیاد بر وضعیت رشد کودکان دارد. کودکان کار به دلیل سختی‌های که دارند عمدتاً پیوندهای قوی با مدرسه به‌عنوان یک نهاد جامعه‌پذیری ندارند، یا کیفیت تحصیلی پایین دارند و یا با ترک تحصیل

زودرس مواجه‌اند؛ اختلال در فرایند جامعه‌پذیری که عمدتاً مربوط به خانواده و مدرسه است در این رویکرد مهم‌ترین عامل در رشد فراینده کودکان کار هست.

دیدگاه تضادی/انتقادی: بر اساس این دیدگاه، آسیب‌های اجتماعی از جمله کار کودک معلول نابرابری‌های اجتماعی و در رأس آن، نابرابری‌های اقتصادی و توزیع ناعادلانه منابع و فرصت‌های جامعه است. وجود تضاد درون جامعه علت اصلی به وجود آمدن آسیب‌های اجتماعی درون جامعه است. فضایی که در آن، قانون صرفاً به مکانیسمی برای کنترل اعضای ناراضی، فقیر و فاقد قدرت در جامعه بدل می‌شود و در همان حال از موقعیت و جایگاه قشر قدرتمند در جامعه حفاظت می‌کند؛ بر اساس توجهی که رویکرد اقتصاد سیاسی به توزیع ثروت و قدرت سیاسی در شهر دارد، تضاد در مورد توزیع منابع و امکانات، تأثیر زیادی بر شکل و ساختار شهری دارد. زندگی شهری مملو از تضاد و کشمکش دائمی بین فقرا و اغنیا و تعیین‌کننده ویژگی فیزیکی و اجتماعی شهر است (شارع پور: ۱۳۹۱، ۱۷۰ و ۱۷۶).

دیدگاه تضاد به نقش و تأثیرات مناسبات قدرت در جهت‌دهی به پویای‌های اجتماعی و هم‌چنین نقش محوری انسان در تحولات اجتماعی تأکید می‌کند. جامعه‌شناسان معتقد به تضاد بر بی‌ثباتی و تضاد اجتماعی تأکید می‌کنند. آن‌ها علل مسائل اجتماعی را در علایق و منافع پنهان قدرتمندان می‌دانند. از این دیدگاه آسیب‌های اجتماعی نتیجه نابرابری‌های اجتماعی موجود در جامعه و تعارض منافع گروه‌ها و طبقات موجود در جامعه است. مارکس^۱ در تقسیم‌بندی و بیان عقلانی بودن شرکت کودکان در امر تولید اجتماعی، به کار خلاق یا به اصطلاح سفید، کاری که به جسم و روح کودک ضربه نزند، او را به انقیاد درنیاورد و باعث رشد و بالندگی او شود، اشاره دارد. اما کارهای دیگر را مضر دانسته و به مبحث طبقه کارگر و طرح خواست به کار نکشیدن کودکانشان پرداخته است.

او معتقد است که حیات اجتماعی انسان‌ها در جامعه سرمایه‌داری، دارای تضادهایی اساسی و رفع‌نشدنی است. کلیتی متضاد از ساختارهای در نهایت تعیین‌شده با اقتصاد، که

1. Marx

در فرایند تکامل خود، نیروها و روابط سازنده خود را نابود ساخته و زمینه تکامل اجتماعی را در نظری کلی فراهم می‌آورد. یکی از هولناک‌ترین جلوه‌های این تضادها این است که بخش بزرگی از کودکان شاغل در کارخانه‌ها و مونوفاکتورهای مدرن، از همان لطیف‌ترین ایام کودکی گویی به ساده‌ترین فعالیت یدی میخ‌کوب می‌شوند و سال‌های طولانی آن‌ها را استثمار می‌کنند، بدون آن‌که هیچ‌گونه مهارتی را بیاموزند که بعدها حتی در همان کارخانه نیز سودمند واقع شود (مارکس، ۱۳۸۶: ۵۲۱).

پولانتزاس^۱ اظهار می‌کند که باید توجه داشت که کار کودکان، تحمیلی اجتماعی از سوی ساختارهای سیاسی، ایدئولوژیک و به‌ویژه اقتصادی جامعه بوده و این پدیده اجتماعی هم مانند تمامی پدیده‌های اجتماعی دیگر، به‌عنوان جزئی از پیکره کلی جامعه است که معنا یافته و مادیت می‌یابد. بخش عمده‌ای از این کلیت اجتماعی، فرایندهای بازتولید نیروها و روابط تولیدی در جامعه است. بدون بازتولید، هیچ نظامی پایدار نخواهد بود. بازتولید طبقات اجتماعی در بلندمدت با فرایندی از تبدیل طبقات به کاست‌ها، سهمی عمده در شکل‌گیری و دوام کودکان کار به‌عنوان یکی از اقشار طبقه کارگر را دارا است. کودکانی که در هیاهوی ماشین‌غول‌آسای اجتماعی شدن، فرصت کمتری برای صعود از نردبان تخیلی ترقی اجتماعی می‌یابند (Poulantzas, 2008: 223). در واقع پولانتزاس بر بازتولید کار کودک در طی زمان و آسیب‌های ناشی از بهره‌کشی بر کودکان به‌عنوان طبقه ستم‌دیده تأکید دارد.

چارچوب مفهومی پژوهش

کار کودک، ابتدا واژه‌ای بود که در معنای استخدام کودکان در کارخانه‌ها به کار می‌رفت. اما این واژه اکنون به‌طور کلی به کلیه فعالیت‌های کودک اطلاق می‌شود که: الف) به لحاظ روانی، جسمی و اجتماعی یا اخلاقی، خطرناک و آسیب‌رسان باشد. ب)

1. Poulantzas

مزاحم تحصیل کودک باشد. مثلاً باعث محروم ساختن وی از رفتن به مدرسه یا مجبور کردن وی به ترک تحصیل یا ملتزم کردن او به گذراندن مدرسه ضمن کار طولانی و سنگین بشود. بر این اساس کودک کار نیز به کودکی گفته می شود که زیر سن قانونی مشغول به فعالیت اجباری و اقتصادی بهره کشانه است. لازم به ذکر است که کودکان کار، طیف وسیعی اعم از کودکان کار در خیابان، کارگاه ها، کوره های آجرپزی، مزارع کشاورزی و را شامل می شوند و این کودکان متفاوت از کودکان خیابان هستند.

کار کودکان می تواند شامل کار در کارخانه، معدن، روسپی گری، کشاورزی، کمک در کسب و کار والدین، داشتن کسب و کار شخصی (مانند فروش غذا) یا کارهای نامتعارف باشد. بدترین شکل های کار کودکان استفاده نظامی از کودکان و تن فروشی کودکان است. موارد کم تر جنجالی و معمولاً قانونی (با بعضی محدودیت ها) شامل کار کشاورزی در ایام تعطیلی مدرسه (کار فصلی)، کسب و کار خارج از ساعات مدرسه و هم چنین بازیگری یا آوازخوانی کودکان هست (رمضان خانی، ۲۰۱۶). گروه دیگری از کودکان، کودکان خیابانی هستند که مفهومی متفاوت از کودکان خیابان دارند. کودکان خیابانی شاغل در خیابان هستند و برحسب نوع و میزان ارتباط با خانواده شب ها به خانه بازمی گردند (سازمان بهداشت جهانی، ۱۳۸۸: ۲۱). برخلاف کودکان خیابان که سرپناهی ندارند و حضورشان در خیابان لزوماً کسب درآمد و فعالیت اقتصادی نیست.

به طور کلی، کار کودکان را می توان به دو دسته عمده تقسیم بندی کرد:

الف) کار بی خطر: که بدون آسیب به جسم و روان کودک و بدون اخلال در فرایند رشد، تحصیل و سلامت کودک منجر به یادگیری بیشتر و افزایش توانمندی ها و مهارت های فردی، اجتماعی و تخصصی کودک و آمادگی او برای فعالیت حرفه ای در بزرگسالی و فعالیت های اجتماعی مؤثر در دوران کودکی می شود.

ب) کار بهره کشانه: کاری که بدون توجه به رشد و سلامت کودک با هدف کسب درآمد و دستاورد اقتصادی برای دیگران به شکل اجباری توسط کودک انجام می شود و به طور کلی به کلیه فعالیت های کودک اطلاق می شود که: الف) به لحاظ روانی، جسمی و

اجتماعی یا اخلاقی، خطرناک و آسیب‌رسان باشد. ب) مزاحم تحصیل کودک باشد. مثلاً باعث محروم ساختن وی از رفتن به مدرسه یا مجبور کردن وی به ترک تحصیل یا ملزم کردن او به گذراندن مدرسه ضمن کار طولانی و سنگین بشود.

کار بهره‌کشانه کودک نیز بر اساس طبقه‌بندی سازمان بین‌المللی کار، در دو دسته تقسیم‌بندی می‌شود:

الف) کار خطرناک: به انواع کارهایی اطلاق می‌شود که احتمالاً به سلامت ایمنی و یا اخلاقیات کودکان آسیب می‌رساند و شامل تمام فعالیت‌های اقتصادی است که ممکن است منجر به مرگ کودکان، صدمات و بیماری ناشی از خود کار یا محیط کار شود. کارهایی مانند کار با ماشین‌آلات صنعتی، کار در زیر زمین (معدن) یا دریا در زمره کارهای خطرناک قرار می‌گیرند.

ب) بدترین اشکال کار کودک: اشکالی از کار هستند که خطر بیشتری برای ایجاد آسیب روانی، فیزیکی و جسمی به کودکان دارند. زباله‌گردی یکی از بارزترین مصادیق بدترین اشکال کار کودک است که افزون بر آسیب روانی، سلامت فیزیکی کودکان را نیز در معرض خطر جدی قرار می‌دهد.

معیارهایی نظیر جغرافیای محل فعالیت، سن و جنس کودکان، خطرناک یا ایمن بودن کار و می‌توانند منجر به دسته‌بندی‌های جزئی‌تر و متفاوتی برای انواع کار کودکان باشند. محور اصلی گونه‌شناسی انواع کار کودکان و آسیب‌های ناشی از آن در این پژوهش، کار بهره‌کشانه‌ای است که هر کودک کمتر از ۱۸ ساله به آن می‌پردازد. با توجه به هدف پژوهش حاضر، نوع دسته‌بندی انواع کار کودکان بستگی به انواع بیان‌شده از سوی مشارکت‌کنندگان در پژوهش خواهد داشت.

پژوهش حاضر در پی این مسئله است که باوجود ممنوعیت کار کودکان در ایران و جهان، چند دسته و رده شغلی برای فعالیت بهره‌کشانه کودکان وجود دارد و مسائل و آسیب‌های ناشی از هر یک از انواع مشاغل برای کودکان چیست‌اند؟

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر به روش کیفی انجام شده است. در بخش اول با استفاده از تحلیل مضمون، در فرایند جمع آوری داده‌ها با استفاده از تکنیک مصاحبه نیمه ساخت یافته با تعدادی از مدیران، کارشناسان و صاحب نظران مرتبط با کار کودک، به مسئله پژوهش و شناخت انواع رایج کار کودکان پرداخته شد. هم چنین مطالعه اسنادی هم به منزله روشی تام و هم تکنیکی برای تقویت سایر روش های کیفی در این پژوهش مورد توجه بوده و با استفاده نظام مند و منظم از داده های اسنادی به کشف، استخراج، طبقه بندی و ارزیابی مطالب مرتبط با موضوع پژوهش پرداخته شده است. جامعه اصلی پژوهش شامل ۱۵ نفر از مدیران و کارشناسان و صاحب نظرانی است که در ارتباط با کودکان کار مشغول به فعالیت هستند. اطلاعات دموگرافیک افرادی که در مصاحبه ها شرکت داشته اند به شرح زیر می باشد:

جدول ۲- مشخصات شرکت کنندگان در مصاحبه های نیمه ساختار یافته پژوهش
(مدیران و کارشناسان سازمان های مردم نهاد)

ردیف	کد اختصاری	سمت	تحصیلات
۱	A1	مؤسس و رییس هیئت مدیره	دکترای روانشناسی کودک و نوجوان
۲	A2	عضو سابق هیئت مدیره	فوق لیسانس مدیریت
۳	A3	عضو هیئت مدیره	فوق لیسانس جامعه شناسی
۴	A4	مددکار اجتماعی	کارشناسی مددکاری اجتماعی
۵	A5	فعال اجتماعی در حوزه کودکان کار	لیسانس انسان شناسی
۶	A6	مددکار اجتماعی	کارشناسی ارشد مددکاری اجتماعی
۷	A7	عضو هیئت مدیره	فوق لیسانس جامعه شناسی
۸	A8	عضو هیئت مدیره	دکترای رفاه اجتماعی
۹	A9	معاون اجتماعی	فوق لیسانس روانشناسی
۱۰	A10	مدیر داخلی	فوق لیسانس روانشناسی بالینی
۱۱	A11	مددکار اجتماعی	کارشناسی ارشد مددکاری اجتماعی
۱۲	A12	پژوهشگر و عضو هیئت مدیره	دکترای جامعه شناسی

لیسانس مددکاری اجتماعی	مؤسس و مدیر	A13	۱۳
فوق لیسانس جامعه‌شناسی	فعال اجتماعی	A14	۱۴
دکترای جامعه‌شناسی	مدیرعامل سازمان مردم‌نهاد	A15	۱۵

نمونه‌گیری مصاحبه‌شونده‌ها دو روش گلوله برفی و نمونه‌های در دسترس بوده است. داده‌های موردنظر از طریق مصاحبه و گفتگوهای نیمه‌ساخت یافته با ایشان جمع‌آوری شده و با دستیابی به اشباع نظری به اتمام رسیده است. در مطالعات اسنادی، از پژوهش‌های پیشین مرتبط با موضوع جهت توضیح سنخ‌های کار کودک استفاده شده است. در این راستا، مهم‌ترین اسناد مرتبط داخلی و بین‌المللی در ارتباط با کار کودک انتخاب شد تا اهداف پژوهش در گونه‌شناسی کار کودکان محقق گردد. برای تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش از روش تحلیل مضمون یا تماتیک (آترید- استرلینگ، ۲۰۰۱ به نقل از عابدی جعفری و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۷۷-۱۷۸) استفاده شده است.

به این صورت که داده‌های حاصل از مصاحبه و بررسی اسنادی، کدگذاری اولیه شده و سپس کدهای مشابه در مضامین کلی‌تر دسته‌بندی شده و در نهایت مضامین اصلی که همان انواع کار کودکان هستند از این دسته‌بندی‌ها استخراج گردیده‌اند. جهت اعتبار و پایایی یافته‌ها، انواع اشکال کار کودک بعد از استخراج، به صاحب‌نظران ارجاع و در نهایت مورد تأیید نهایی قرار گرفت. لازم به ذکر است که شهر تهران به دلیل گستردگی و تنوع انواع اشکال کار کودک به‌عنوان جامعه مورد مطالعه انتخاب گردیده است و به نظر می‌رسد می‌تواند بیشترین گونه‌های شغلی کار کودکان را در این گستردگی، شناسایی نمود.

یافته‌های پژوهش

بر اساس یافته‌های این پژوهش کودکان کار در ایران بر اساس نوع فعالیت شغلی در چند گروه تقسیم می‌شوند و این گروه‌های کاری ممکن است برای یک کودک بنا به شرایط،

همپوشانی داشته باشد و کودک برحسب نوع فعالیت شغلی در یک گونه شغلی یا بیشتر مشغول به فعالیت باشد. به عنوان مثال برخی کودکان که زباله گردی را به صورت رسمی و تمام وقت انجام نمی دهند، ممکن است در طی روز به دستفروشی پردازند و ساعات اندکی را به جمع آوری نوع خاصی از زباله اختصاص دهند. یا کودکانی که در خیابانها به فال فروشی می پردازند ممکن است گاهی بی هدف و بدون قصد کسب درآمد در خیابانها پرسه بزنند و یا تکدی کنند.

اما به طور کلی، نوع فعالیت شغلی کودکان در شهر تهران را می توان در ۷ گونه طبقه بندی کرد که به طور خلاصه در جدول (۳) مطرح شده و در ادامه مورد بحث قرار خواهند گرفت. هم چنین آسیب هایی که به دلیل هر گونه شغلی متوجه کودکان است، در مواردی عمومی بوده و شامل همه انواع کارهای کودکان می شود. ممکن است تفاوت های جزئی در میزان آسیب میان آنها وجود داشته باشد، اما در مواردی نیز آسیب ها با توجه به دسته و گروه شغلی کودکان متفاوت است و لازم است که در هر گروه به طور خاص مورد توجه و رسیدگی قرار گیرند. این موارد نیز در هر یک از گونه ها به طور جداگانه مطرح شده اند. جدول زیر بر اساس تجارب تیم پژوهشی، مصاحبه با کارشناسان و نتایج پژوهش های پیشین تنظیم شده است.

جدول ۳- گونه شناسی کار کودکان در ایران و کلان شهر تهران

انواع کار کودکان			
نوع کار	محیط کار	مثال	ویژگی ها، مشکلات و آسیب های احتمالی
کارگاهی	کارگاه و در مواردی مغازه	تولیدی - قالبی - کوره آجرپزی - باربری - شاگرد مغازه - کارگر ساختمانی	مشکلات فیزیکی (تنفسی، ستون فقرات، آسیب های ناشی از کمبود نور و تغذیه نامناسب، ...) - سو استفاده های مالی، روانی، جسمی و جنسی به دلیل پنهان بودن از انظار عمومی - عدم ایمنی و بهداشت کار که سلامت کودک را به خطر می اندازد - احتمال بالاتر ترک تحصیل به دلیل داشتن دستمزد ثابت و بیشتر از سایر انواع کار) - ...

انواع کار کودکان			
نوع کار	محیط کار	مثال	ویژگی‌ها، مشکلات و آسیب‌های احتمالی
دستفروشی	خیابان و فضاهای عمومی مانند مترو	فروش کالاهایی نظیر لباس، لوازم جانبی، موبایل، لوازم آرایشی، پوشاک، ...	گرایش به ادامه مشاغل کاذب در بزرگسالی - عدم تمایل به فراگیری حرفه و توانمندشدن - احتمال بالای ترک تحصیل - فراهم بودن زمینه قرار گرفتن در معرض خشونت‌های کلامی و روانی و فیزیکی ناشی از حضور در خیابان و بازار - ...
خدمات خیابانی	خیابان	فال‌فروشی، گل‌فروشی، اسپند دود کنی، شیشه‌پاک‌کنی، ترازو، جابجایی مواد مخدر بین توزیع‌کننده و مصرف‌کننده	مشکلات فیزیکی (تنفسی در کلان‌شهرها به دلیل آلودگی هوا و سایر مشکلات ناشی از راه رفتن و حضور در خیابان در ساعات طولانی)، مشکلات بهداشتی ناشی از حضور طولانی‌مدت در خیابان و تغذیه نامناسب - اخلال در فرایند آموزش به دلیل نداشتن زمان کافی برای رسیدگی به تکالیف و درس در ساعات پس از مدرسه - جامعه‌پذیری ناقص و رهاشده - افزایش احتمال گرایش به خیابانی شدن به دلیل امکان بیشتر پرسه‌زنی و خیابان‌گردی نسبت به سایر گروه‌های کاری - افزایش احتمال بزهکاری و کجروی - قرار داشتن در معرض خشونت‌های روانی ناشی از برخورد دیگران با آنها و خشونت‌های کلامی، جسمی، جنسی و مالی و متعاقباً افزایش احساس تحقیر و خشم از اجتماع و گرایش به خشونت به‌عنوان مکانیسم دفاعی - قرار گرفتن در معرض تجربیات نامتناسب با سن به دلیل حضور در خیابان - کاهش فرصت توانمند شدن و بهره‌مندی از مهارت‌های اجتماعی هم‌سطح با همسالان - تأثیرات روانی و شخصیتی در زمینه‌های اعتماد به نفس، عزت‌نفس، احساس ارزشمندی و خودباوری - ...
تکدی	خیابان، وسایل حمل‌ونقل یا اماکن عمومی	تکدی، ...	
زباله‌گردی	خیابان	جمع‌آوری زباله در خیابان	مشکلات فیزیکی (تنفسی، ستون فقرات، و به‌طور کلی آسیب‌های ناشی از حضور طولانی‌مدت در خیابان، استنشاق بوی متعفن زباله، حمل بارهای سنگین در

انواع کار کودکان			
نوع کار	محیط کار	مثال	ویژگی ها، مشکلات و آسیب های احتمالی
			<p>ساعات پایانی کار (...) - افزایش احتمال ابتلا به بیماری های جسمی مختلف به دلیل شرایط غیربهداشتی کار - عدم امکان تحصیل به دلیل ساعات طولانی کار - جدا شدن از خانواده و مهاجرت برون مرزی در غالب تیم های کاری، زندگی گروهی در فضاهای نامناسب مثل سوله و حاشیه شهرها، عدم ایمنی و بهداشت کار - افزایش احتمال گرایش به خیابانی شدن به دلیل امکان بیشتر پرسه زنی و خیابان گردی نسبت به سایر گروه های کاری - افزایش احتمال بزهکاری و کجروی - قرار داشتن در معرض خشونت های روانی ناشی از برخورد دیگران با آنها و خشونت های کلامی، جسمی، جنسی و مالی و متعاقباً افزایش احساس تحقیر و خشم از اجتماع و گرایش به خشونت به عنوان مکانیسم دفاعی - قرار گرفتن در معرض تجربیات نامتناسب با سن به دلیل حضور در خیابان - کاهش فرصت توانمند شدن و بهره مندی از مهارت های اجتماعی هم سطح با همسالان - تأثیرات روانی و شخصیتی در زمینه های اعتماد به نفس، عزت نفس، احساس ارزشمندی و خودباوری، ...</p>
خدمات خانگی	خانه، خیابان، مزرعه، ...	<p>کار خانگی نظیر نگهداری از سایر فرزندان، کمک به کارهای خانگی مادر، انجام وظایف مادر یا ایفای نقش بزرگسال در گذران امور خانواده، کمک در امور کشاورزی، دامداری، و</p>	<p>آسیب های فیزیکی به دلیل عدم تناسب حجم و فشار کار با سن و جثه کودک، خطراتی نظیر قطع عضو و یا بیماری، فقدان اوقات فراغت جهت پرداختن به امور کودکی اعم از بازی، تحصیل و رشد متناسب با سن، ورود پیش از موعد سن مناسب به دنیای بزرگسالان و بازآموزی رفتار و کنش های بزرگسالان در رفتار و روابط</p> <p>افزایش احتمال ارتکاب به بزه و سوء پیشینه، تمایل کودک به اشتغال به این سبک کار جهت کسب درآمد</p>

انواع کار کودکان			
نوع کار	محیط کار	مثال	ویژگی‌ها، مشکلات و آسیب‌های احتمالی
		سایر مشاغل بزرگسالان	و کاهش انگیزه جهت قرار داشتن در مسیر بهتر برای زندگی کاهش امنیت جسمی، روانی و اجتماعی کودک ...
مشاغل بزهکارانه	خانه، سطح شهر، ...	استفاده در نزع و قمار، پوشش جابجایی مواد مخدر، سرقت، روسپیگری و ...	

۱- کار کارگاهی

کودکان در سنین مختلف در کارگاه‌ها مشغول به کار می‌شوند. معیار مهم ورود به این گونه از مشاغل کودکان، توانایی جسمی و عقلی برای انجام کار مورد نظر است. در این دسته، کارگاه شامل هر نوع فعالیت کسب و کار صنفی است که کودک در یک فضای باز یا بسته مشخص به صورت روزانه به فعالیت شغلی مشخص و هدفمند می‌پردازد و این فعالیت متناسب با سن و توانمندی‌های کودک می‌تواند متغیر باشد. در ایران، شاگرد مغازه، باربری، خیاطی، قالببافی، تعمیرگاه، بسته‌بندی، جوراب‌بافی، کارگاه‌های ساختمانی و کوره‌های آجرپزی نمونه‌هایی از مشاغل کارگاهی است که کودکان را در آن به کار می‌گیرند. بر اساس مطالعات، از هر ۱۰ کودک کار در تهران، ۴ کودک به کار کارگاهی اشتغال دارند (معارف‌وند و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۴).

"A1" عضو هیئت‌مدیره سازمان‌های مردم‌نهاد حوزه کودکان کار و خیابان درباره

استفاده کودکان در کارگاه‌های قالببافی چنین بیان می‌کند:

"در این کارگاه‌ها کودکان با سنین بسیار پایین مشغول به قالببافی هستند. زیرا به دلیل دستان و انگشت‌های کوچکی که دارند، گره‌های ریزتر و ظریف‌تری را در قالی می‌زنند و قالی نفیس‌تری را می‌بافند."

در برخی موارد، اشتغال در کارگاه برای کودکانی که پیش تر در خیابان کار می کردند، نوعی پیشرفت و امتیاز محسوب می شود. زیرا به آنها کاری به ظاهر هدفمندتر، حقوق بیشتر و ثابت و امکان کسب مهارت و حرفه آموزی می دهد. اما متقابلاً وقت و نیروی بیشتری را از آنان می گیرد و ممکن است اختلال بیشتری در تحصیل و سلامت کودکان ایجاد کند. "A2" یک فعال اجتماعی پیشکسوت در حوزه کودکان کار و خیابان اظهار می دارد:

"در بسیاری از خانواده های این کودکان، اشتغال کودک در کارگاه یک شیوه تربیتی و پرورشی مطلوب تلقی می گردد. زیرا کودک در ساعات پس از مدرسه و در تابستان به صورت تمام وقت زمان فراغت خود را به یادگیری حرفه ای اختصاص می دهد که در آینده به اشتغال او کمک خواهد کرد، همچنین این خانواده ها گمان می کنند که کار در کارگاه محیطی امن تر و سالم تر نسبت به خیابان دارد و نظارت کارفرما بر کودک بخشی از تربیت او را شکل خواهد داد. غافل از این که بسیاری از آسیب ها که در محیط خیابان به دلیل قرار داشتن در انظار عمومی و استقلال نسبی کودک احتمال کمتری برای بروز دارد، در این کارگاه ها بیشتر اتفاق می افتد. هم چنین برخی کودکان با مقایسه میزان مهارت و درآمد خود نسبت به پدران، سایر بزرگسالان و همسالان غیر شاغل، به ادامه کار اقتصادی پیش از رسیدن به سن اشتغال ترغیب شده و انگیزه خود را برای ادامه تحصیل از دست می دهند. هم چنین زودتر از همسالان غیر شاغل به رفتار و روحیات نامتناسب با سن خود پرداخته و کودکی آنها در این میان گم می شود که در آینده می تواند آسیب زا باشد".

در برخی موارد نیز کودکان به اجبار و به تبع از خانواده وارد مشاغل کارگاهی می شوند. این موارد در کارگاه های ساختمانی و کوره های آجرپزی بیشتر دیده می شود. در کوره های آجرپزی تقریباً همه اعضای خانواده با هر سنی به کار می پردازند. "A10" مددکار اجتماعی که مدتی با کودکان کوره های آجرپزی فعالیت داشته می گوید:

"سه دلیل عمده باعث می‌شود که همه اعضای خانواده در کوره‌های آجرپزی مشغول به کار باشند. از یک طرف، مزد خشت‌زنی بسیار اندک است و خانواده برای امرار معاش ناچار است که همه نیروی خود را به کار گیرد. از طرف دیگر، اشتراک محل کار و سکونت باعث می‌شود بستر کار برای کودکان فراهم باشد. ممکن است همان خانواده اگر در بافت شهری زندگی کند و اعضای بزرگسال خانواده برای کار به محل دیگری بروند، برخی کودکان وارد چرخه کار نشوند اما در کوره‌های آجرپزی، کودک در محل سکونت خود و در کنار خانواده بستر آماده‌ای برای کار دارد. دلیل دیگری که می‌تواند مورد توجه قرار گیرد این است که همه کارگران کوره‌های آجرپزی در اتاق‌هایی در همان محل ساکن هستند. در شرایطی بسیار غیربهداشتی و غیر ایمن و در واقع به لحاظ موقعیت مکانی و شرایط زیستی در دسته زاغه‌ها قرار می‌گیرند. خانواده‌های ساکن در آنجا با به کار گرفتن تمام اعضای خانواده در واقع سعی دارند تا آنجا که ممکن است نیروی مورد نیاز برای کار در کوره‌ها را از افراد ساکن تأمین و بدین ترتیب ورود و رفت‌وآمد غریبه‌ها به محل سکونت حاشیه‌ای و پرآسیب‌شان را کمتر کنند."

"A5" فعال اجتماعی در حوزه کودکان کار و خیابان نیز اظهار می‌کند که:

"اغلب بزرگسالانی که در کوره‌های آجرپزی مشغول به کار هستند، از کودکی در این کار بوده‌اند و بیشتر آنان در سنین ۴۰ تا ۴۵ سالگی به دلیل کم‌درد و پادرد شدید قادر به انجام هیچ‌گونه کار دیگری نیستند و کودکانشان به‌ناچار می‌بایست بار اقتصادی خانواده را به عهده بگیرند."

کودکان در فعالیت کارگاهی، آسیب‌های فراوانی را تجربه می‌کنند. مشکلات فیزیکی نظیر مشکلات تنفسی، آسیب‌های ناشی از کمبود نور و تغذیه نامناسب در کارگاه‌های فاقد نور و هوای مناسب، مشکلات ستون فقرات ناشی از جابجایی و حمل اشیاء سنگین و یا نشستن طولانی‌مدت پشت دارهای قالی و ... مسائلی است که کودکان کار و یا بزرگسالانی که از کودکی در مشاغل کارگاهی کار کرده‌اند با آنها مواجه هستند. در زنان سنین درد و ناتوانی در کار کردن به دلیل زایمان‌های متعدد و فقدان شرایط مناسب

گونه شناسی کار کودکان و آسیب های ناشی از...، پیرخدان و همکاران | ۱۳۷

در دوره بارداری و پس از زایمان، پایین تر آمده و حدوداً از ۳۵ سالگی آغاز می شود (A10). همچنین امکان سوءاستفاده های مالی، روانی، جسمی و جنسی از کودکان در کارگاه ها به دلیل پنهان بودن از انظار عمومی و نیز به دلیل این که کارگاه های با تعداد کارگر کمتر از ده نفر مشمول نظارت و بازرسی و قوانین بازرسی کار نمی شوند، بالاتر است.

بر اساس همین قوانین، عدم ایمنی و بهداشت کار نیز در کارگاه ها می تواند سلامت کودک را به خطر اندازد. افزون بر این، ترک تحصیل در میان کودکان کار کارگاهی احتمال بالاتری دارد. زیرا کودکان کار در این دسته، دستمزد ثابت و کارهای تمام وقت دارند که اهمیت کارشان را نسبت به سایر انواع کار کودکان بیشتر کرده و بنابراین کودکان و والدین آنها ممکن است به سادگی حاضر نشوند که مدرسه و تحصیل، مانع کسب درآمد و کارآموزی کودکان شود.

۲- دستفروشی

کودکان دستفروش، در دسته کودکان کار در خیابان قرار دارند اما از آنجایی که نوع کار، درآمد و سبک مشکلات و رفتار این کودکان متفاوت از کودکانی است که در معابر، مترو و اتوبوس بدون داشتن کالای دارای ارزش مالی صرفاً به کارهایی نظیر فال و دستمال فروشی، شیشه پاک کنی و ... می پردازند، در یک دسته بندی جداگانه مورد بررسی قرار گرفته اند. کودکان دستفروش، کالاهای منسجم تر و با ارزش ریالی مشخص را در بازار عرضه می کنند و شکل رسمی تری از اشتغال را به دلیل میزان درآمد و ساعات و مکان مشخص تجربه می کنند.

کودکان دستفروش، آن دسته از کودکان کار هستند که یا در یک جای ثابت به اصطلاح بساط می کنند و کالایی برای فروش دارند و یا کالاهایی نظیر لوازم جانبی موبایل، لوازم آرایشی و ... را در مترو و اتوبوس و بازارها می فروشند.

"A2" یک فعال اجتماعی پیشکسوت در حوزه کودکان کار و خیابان معتقد است

که:

"بر اساس کلیشه‌های جنسیتی هنگامی که از تجاوز و آزار جنسی سخنی گفته می‌شود، اذهان عمومی به سمت دختران آزار دیده می‌رود. در حالی که بر اساس پژوهش‌ها آمار دخترانی که در خیابان به کار می‌پردازند بسیار پایین‌تر از پسران بوده و به دلیل باورهای فرهنگی و سنتی بیشتر از پسران و در سنین پیش از بلوغ از چرخه کار در خیابان خارج می‌شوند. بنابراین آمار سوءاستفاده‌های جنسی و تجاوز به دست آمده در پژوهش‌ها در موارد بسیاری شامل پسرانی می‌شود که در خیابان به کار می‌پردازند."

"A11" مددکار اجتماعی درباره برخی دلایل دستفروشی کودکان این گونه می‌گوید:

"کودکان در سنین نوجوانی اغلب گرایش به دستفروشی دارند و برای خانواده نیز استقرار در یک محل ثابت برای دستفروشی موجه‌تر از پرسه زدن کودکان در خیابان محسوب می‌شود. کودکان دستفروش یا با سرمایه اندک خود، کالاهایی را برای فروش تهیه می‌کنند و در بازار می‌فروشند، یا اجناسی را که خانواده و آشنایان در منزل تولید می‌کنند برخی دیگر از کودکان به‌عنوان وردست از طریق برخی افراد استخدام شده و در ازای حقوق ثابت ماهانه یا پورسانتی به دستفروشی می‌پردازند."

کار در گونه دستفروشی نسبت به کار در خیابان هدفمندتر و جدی‌تر است و اغلب کودکانی که از سنین پایین در خیابان مشغول به کار هستند، تلاش می‌کنند تا در بدترین حالت، کار خود را از کار خیابانی به دستفروشی تغییر دهند. با اینکه محل کار این کودکان نیز اغلب در خیابان است، اما آسیب‌های روانی و اجتماعی آن و همچنین انگیزه و دستاوردهای آن ممکن است با کودکان دوره گرد در خیابان‌ها متفاوت باشد.

این دسته از کودکان کار آسیب‌های مرتبط با ماهیت شغل خود را تجربه می‌کنند. کودکان دستفروش ممکن است به ادامه مشاغل کاذب در بزرگسالی گرایش پیدا کنند و به دلیل تمایل به نظم و ثبات در یک فعالیت شغلی، هرگز تمایل یا فرصتی برای فراگیری و یا

انجام یک شغل حرفه‌ای و تخصصی نداشته باشند، بنابراین عدم تمایل به فراگیری حرفه و توانمندشدن آسیب‌هایی هستند که به دلیل اشتغال کودک به دستفروشی به او وارد شده و امکان قرار گرفتن در موقعیتی متناسب با سن خود و انتخاب را از او می‌گیرد. دستفروشی به دلیل درآمد احتمالی، احتمال ترک تحصیل کودک را افزایش می‌دهد. همچنین از آنجایی که محل کار کودک دستفروش در خیابان و بازار است، کودک به‌طور گسترده‌ای در معرض خشونت‌های کلامی و روانی و فیزیکی قرار می‌گیرد که می‌تواند سلامت جسمی و روانی او را تهدید کند.

۳- خدمات خیابانی

کار در خیابان بخش گسترده‌ای از کودکان کار را جذب خود می‌کند. زیرا به امکانات، شرط سنی و شرایط خاصی نیاز ندارد و از هرزمانی که کودک بتواند روی پایش بایستد، می‌تواند وارد آن شود. نظارت و ضمانت اجرایی قوانین هم چندان بازدارنده نیست و نگرانی بابت ممنوعیت و نحوه کار وجود ندارد. کودکانی که در خیابان کار می‌کنند، طیف وسیعی از انواع کارها را انجام می‌دهند، مانند فال فروشی، دستمال فروشی، اسپند دودکنی، شیشه‌پاک‌کنی، گل‌فروشی، مطربی و بسیاری کارهای دیگر. این کودکان خدمات شغلی خود را در اماکن عمومی نظیر بازارها، معابر پرتردد شهری، چهارراه‌ها، پارک‌ها، وسایل حمل‌ونقل عمومی و میادین اصلی شهرها ارائه می‌کنند. لازم به ذکر است که کودکان دستفروش، به دلیل تفاوت‌های اندک اما مهم در نوع و میزان کار و درآمد و ساعات اشتغال، در دسته‌ای جداگانه موردبررسی قرار گرفته و تا حدودی متفاوت از این گروه می‌باشند.

همچنین لازم به تأکید است که کودکان کار خیابانی، تفاوت‌هایی با کودکان خیابانی دارند و بیشتر با هدف کسب درآمد به خیابان می‌آیند. کودک خیابانی، کودکی است که خیابان برای او به‌منزله خانه و افراد حاضر در خیابان به‌منزله اعضای خانواده او محسوب می‌شوند. کودکان خیابانی به دلایل متعددی نظیر کسب درآمد برای حمایت از خود و

خانواده، دوری جستن از خانواده و مشکلات و تنش‌های آن، یافتن سرپناه و ... بیشتر اوقات خود را در خیابان سپری می‌کنند. آن‌ها لزوماً به فعالیت اقتصادی نمی‌پردازند و ممکن است صرفاً در خیابان به پرسه‌زنی مشغول باشند و لزوماً شب را در خیابان به سر نمی‌برند. برخی کودکان خیابانی شب‌ها به منزل خود بازمی‌گردند و برخی دیگر جاهای مختلفی را برای سپری کردن شب انتخاب می‌کنند و یا در خیابان می‌خوابند.

"A6" با تأکید بر اهمیت تفاوت قائل شدن میان کودکان خیابانی و کودکان کار در

خیابان، درباره کودکان خیابانی چنین می‌گوید:

"کودکان خیابانی با هدف اشتغال و کسب درآمد وارد خیابان نمی‌شوند. اما در تجربه مواجهه ما با این کودکان، در فرایند خیابان‌گردی این کودکان جذب کارهای گوناگون نظیر سرقت، خرید و فروش مواد مخدر، تکدی، جمع‌آوری ضایعات و زباله‌گردی و دستفروشی یا بسیاری کارهای دیگر می‌شوند. درحالی‌که کودکان کار در خیابان ممکن است همین کارها را انجام دهند اما هدف آنها اشتغال و کسب درآمد است و اغلب تحت نظارت سرپرستان قانونی هستند".

با توجه به اینکه کودکان خیابانی نیز در موارد بسیاری ممکن است جذب انواع

کارهای کودکان شوند، پرداختن به آنها با موضوع پژوهش مرتبط می‌باشد.

مطالعات حاکی از آن است که بیش از ۶۰٪ کودکان کار خیابانی، از کار کردن خود

راضی هستند و دلیل آن را تأمین هزینه‌های زندگی از این طریق و همچنین تنوع و درآمد

خوب کارهای خیابانی عنوان می‌کنند و از این میان ۳۱٪ کودکان اظهار می‌دارند که حتی

در صورت تأمین بودن مخارج زندگی و تحصیلشان باز هم به کار در خیابان ادامه خواهند

داد (حسینی، ۱۳۸۴: ۱۶۲).

"A10" مددکار اجتماعی، این میزان رضایت شغلی را بسیار خطرناک می‌داند زیرا

نشانه این است که کودکان، کار اجباری را به‌عنوان یک امر ضروری پذیرفته و به پیامدها و

آسیب‌های ستمی که بر آنان روا شده است، آگاه نیستند.

"A3" فعال اجتماعی پیشکسوت در حوزه کودکان کار و خیابان درباره آسیب های

ناشی از کار کودکان چنین اظهار می کند:

" کار کودک را می توان با محرومیت از آموزش و عدم حضور در مدرسه و حضور در مکان های دیگر و انجام کاری به غیر تحصیل تعریف کرد. محرومیت از آینده به دلیل فقر قابلیت و پایداری چرخه فقر از مهم ترین آسیب های کار کودکان است. آزارهای جسمی و جنسی، سوء تغذیه، مستعد بودن برای ابتلا به بیماری های واگیردار، تحمیل نابرابری و در معرض خشونت بودن از جمله این آسیب هاست."

در گونه خدمات خیابانی، گذراندن ساعات طولانی در خیابان ها و قرار گرفتن در معرض عوامل متعدد آسیب زای محیطی از یک سو و عدم برخورداری یا محدودیت شدید در استفاده از امکانات آموزشی، تربیتی، بهداشتی-درمانی و حمایتی از سوی دیگر، سلامت جسمی، روانی و اجتماعی این کودکان را به شدت با آسیب مواجه ساخته و امکان رشد و توسعه فردی را از آنها سلب می کند. عدم دسترسی به آموزش های تحصیلی و حرفه ای امکان ارتقای این کودکان را به مشاغل در سطوح بالاتر منتفی کرده و تجسم تغییر در شرایط زندگی آینده را برای آنها غیرممکن می سازد.

مطالعات متعدد حاکی از آن است که کودکان خیابانی با انواع آسیب های جسمی، اجتماعی و روانی روبرو هستند. این کودکان به نسبت سایر کودکان بیشتر به اختلال های رشدی، سوء تغذیه، شکستگی استخوان و کبودی بدن دچار می شوند که همگی از مصادیق اختلال در کارکرد جسمانی کیفیت زندگی به شمار می آیند (رمضانخانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۸۹). کودکان خیابانی در جنبه های اساسی رشد دارای مشکلاتی هستند. از نظر رشد جسمی بین ۶۰٪ تا ۸۴٪ کودکان خیابانی با مشکلاتی مانند کم خونی، کاش قد و وزن، بیماری های چشم، گوارشی، پوست و سوء تغذیه روبرو هستند. از نظر رشد ذهنی بین ۱۷٪ تا ۵۶٪ آنان دارای مشکلاتی مانند بی سوادی، مشکلات گفتاری، کمبود توجه و تمرکز و مشکلات یادگیری هستند. بین ۴۰٪ تا ۸۹٪ آنان از مشکلاتی مانند احساس کم ارزشی، بی قراری، افسردگی، ترس و ناامنی و اضطراب رنج می برند. از نظر رشد اجتماعی بین ۳۷٪

تا ۸۰٪ آنان دچار مشکلاتی مانند پرخاشگری، خشونت، ناسازگاری، سوءاستفاده جنسی و اعتیاد هستند (همان: ۹۰).

در سال‌های ۱۳۸۰، ۸۰٪ کودکان دچار پرخاشگری و خشونت، ۵۰٪ به سرقت، ۴۱٪ به خرید و فروش مواد مخدر، ۸۵٪ به تخریب اموال عمومی، ۵۴٪ به بی‌توجهی به حقوق دیگران و مشکل در برقراری ارتباط و ۵۵٪ تمایل به بزهکاری داشتند. همچنین نتایج حاکی از آن بوده که در این کودکان حس حسادت، انتقام‌جویی و خصومت، بی‌ثباتی و بی‌قراری، بی‌اعتمادی به دیگران، بدبینی و منفی‌گرایی، افسردگی، اضطراب، احساس ناامنی و ترس فراوانی بالایی داشته است (قاسم‌زاده، ۱۳۸۰ به نقل از محمدی، ۱۳۹۴). "A1" نتایج این پژوهش را با وضعیت کنونی کودکان کار در سال‌های اخیر دارای مشابهت‌های بسیاری می‌داند و معتقد است به دلیل ناکارآمدی سیاست‌های دولت، آسیب‌های این کودکان کمتر نشده است.

کودکان خیابانی در معرض خشونت‌ها و آزار روانی ناشی از برخورد دیگران با آنها و خشونت‌های کلامی، جسمی، جنسی و مالی قرار دارند که می‌تواند در جامعه‌پذیری این کودکان اختلال ایجاد کرده و یا حتی به جامعه‌ستیزی منجر شود. خطر گرایش به مصرف انواع مواد مخدر در این دسته از کودکان به دلیل فقدان سرپرستی و نظارت مؤثر بسیار بالاتر از سایر گروه‌هاست (A10, A1, A2). پیشینه‌ای که زمینه‌ساز خیابانی‌شدن این کودکان شده و نیز حضور دائم آنها در خیابان، عامل تقویت‌کننده‌ای در این مسئله خواهد بود. این کودکان به‌واسطه رانده شدن و دور بودن از خانواده و بازخوردهای اجتماع احساس قوی‌تری از تحقیر و خشم را تجربه می‌کنند.

آنها در جامعه رها شده‌اند و برای حمایت و بازگشت به شرایط بهتر متناسب با دوره کودکی نیاز به مداخلات ویژه و تخصصی دارند. زیرا آسیب‌های ناشی از حضور دائم در خیابان صرفاً به مسائل اقتصادی و فقر محدود نمی‌شود که با رفع آن بتوان کودک را به چرخه عادی کودکی بازگرداند. برخی از این کودکان با وجود تمام فشارها و آزارها، نوعی استقلال و خودمختاری و رهایی را در خیابان تجربه کرده که ممکن است برایشان خوشایند

گونه شناسی کار کودکان و آسیب های ناشی از...، پیرخدان و همکاران | ۱۴۳

باشد و تمایلی برای از دست دادن یا کنار گذاشتن آنها نداشته باشند. بر اساس مطالعات اسنادی عوامل مؤثر در ایجاد پدیده کودکان خیابانی شامل عوامل زیستی و روانی (مانند بحران هویت، بحران بلوغ، اعتیاد و بزهکاری)، عوامل خانوادگی (مانند خانواده های پرجمعیت، گسسته و پرتنش)، عوامل اقتصادی (مانند فقر، بی عدالتی، بیکاری، فاصله طبقاتی زیاد در جامعه) و عوامل فرهنگی اجتماعی (مانند ترکیب ساختار و ازدیاد جمعیت، مهاجرت، جنگ) می باشند (رمضانخانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۹۰).

همچنین مطالعات نشان داده که کودکان خیابانی دارای مشکلات عدیده اجتماعی (فقر و بی سواد، تبعیض و فقدان منابع قابل دسترس، خشونت محیطی و برچسب خوردن)، مشکلات جسمی (عدم تغذیه مناسب، مشکلات جنسی و بهداشت باروری، مشکلات بهداشتی) و مشکلات روانی (گذشته پرفشار، سبک زندگی موقتی و خانه به دوشی، بهداشت روانی و سوء مصرف مواد مخدر) هستند (سازمان بهداشت جهانی، ۱۳۸۸).

۴- تکدی

تکدی، عمل درخواست پول، غذا یا سایر اشکال کمک در یک مکان عمومی و بدون انجام مبادله تعریف شده است (بوکویه: ۲۰۱۵: ۳۲۴). تکدی یکی از انواع بهره کشی های اقتصادی است که در آن از کودکان به عنوان ابزاری جهت جلب ترحم بیشتر، القای نیازمندی بیشتر و کسب کمک و درآمد بیشتر استفاده می کنند.

"A4" مددکار اجتماعی درباره کودکان متکدی معتقد است:

"در تکدی اساس کار بر جلب ترحم است و بنابراین از کودکان خردسال و نوزاد در این کار استفاده می شود. کودکان متکدی با سنین بالاتر اغلب از قوم های مشخص مثل افراد اهل غربت و یا کولی ها هستند. بخشی از کودکان توسط یک سرپرست در سطح شهر پخش می شوند اما در سال های اخیر با توجه به تشدید فقر و نابرابری بسیاری از کودکان توسط والدین خود به تکدی می پردازند. در اغلب موارد کودک در

نقطه‌ای از خیابان گمارده می‌شود و والد او با فاصله‌ای به‌طور نامحسوس از او مراقبت می‌کند".

بر اساس مطالعات اسنادی در سال ۱۳۸۲، ۲۱٪ کودکان کار خیابانی به تکدی می‌پرداختند که این رقم از نظر نوع شغل در آن زمان بالاترین میزان را داشت (قاسم‌زاده، ۱۳۸۲). هم‌چنین در تابستان ۱۳۹۵ از میان ۱۱۸۷ تکدی جمع‌آوری‌شده از سطح شهر تهران، ۸۹ کودک (۳۶ دختر و ۵۳ پسر) بوده‌اند (محمودیان، ۱۳۹۵: ۳۶). در همان سال منطقه ۱۲ شهر تهران بیشترین سهم متکدیان خیابانی در گروه‌های سنی مربوط به افراد زیر ۱۵ سال با میزان حدوداً ۳۵٪ بوده است (مهربانی، ۱۳۹۵: ۱۵۵). در تکدی کودکان یا به‌تنهایی و یا به همراه فردی بزرگسال در خیابان‌ها و اماکن عمومی به کار می‌پردازند. این دسته از کار برای کودکان آسیب‌های روانی و اجتماعی بسیاری را به همراه دارد و علاوه بر آن آسیب‌های زیادی را به جامعه نیز وارد می‌کند. بسیاری از کودکانی که در تکدی باقی می‌مانند، ظرفیت بزهکاری، مصرف مواد و جامعه‌ستیزی را دارند. عزت‌نفس این کودکان به‌گونه‌ای تخریب می‌شود که بسیاری از ارزش‌های اجتماعی معنایشان را در ذهن کودک از دست می‌دهند و ممکن است گرایش کودک را به فراگیری مهارت و یک شغل و حرفه در آینده کاهش دهد.

کودکان تکدی، به دلیل آلودگی هوا و راه رفتن و حضور در خیابان در ساعات طولانی در معرض ابتلا به مشکلات فیزیکی، بیماری‌های تنفسی و مشکلات بهداشتی هستند. این کودکان عموماً تغذیه مناسبی ندارند. علاوه بر این به دلیل نداشتن زمان کافی برای رسیدگی به تکالیف و دروس در ساعات پس از مدرسه در فرایند تحصیلشان اختلال ایجاد می‌شود. کودکان غیر مدرسه‌ای نیز از فعالیت‌های متناسب و همسان با گروه‌های همسالان خود محروم می‌شوند. در این گروه از کودکان نیز مانند سایر دسته‌های مشاغل خیابانی، احتمال گرایش به خیابانی شدن به دلیل امکان بیشتر پرسه‌زنی و خیابان‌گردی، بزهکاری و کجروی بالاست و قرار داشتن در معرض خشونت‌های روانی ناشی از برخورد دیگران با آنها و خشونت‌های کلامی، جسمی، جنسی و مالی و متعاقباً افزایش احساس

گونه شناسی کار کودکان و آسیب های ناشی از...، پیرخدان و همکاران | ۱۴۵

تحقیر و خشم از اجتماع و گرایش به خشونت به عنوان مکانیسم دفاعی، قرار گرفتن در معرض تجربیات نامتناسب با سن به دلیل حضور در خیابان، کاهش فرصت توانمند شدن و بهره‌مندی از مهارت‌های اجتماعی هم‌سطح با همسالان و تأثیرات روانی و شخصیتی در زمینه‌های اعتماد به نفس، عزت نفس، احساس ارزشمندی و خودباوری از جمله آسیب‌هایی است که ممکن است به کودکان وارد شود.

۵- زباله‌گردی

زباله‌گردی یکی از مصادیق بدترین اشکال کار کودکان به شمار می‌رود. زیرا نه تنها کودک را به دلیل فعالیت اقتصادی بهره‌کشانه از حق بازی، تحصیل و کودکی بازمی‌دارد، بلکه بهداشت، سلامت و ایمنی او را نیز به خطر می‌اندازد. کودکان در سنین مختلف و در ساعات طولانی در میان زباله‌ها و ضایعات به کار می‌پردازند. این کودکان در ایران اغلب به صورت گروهی در خیابان‌ها، در نزدیکی گودهای زباله و یا مراکز بازیافت در شرایط بهداشتی بسیار بدی با هدف کسب درآمد روزگار سپری می‌کنند.

در یافته‌های حاصل از مطالعات اسنادی، زباله‌گردها در محیط‌های اجتماعی متخاصمی زندگی می‌کنند و همواره از جانب مسئولان شهری به‌مثابه افرادی آزاردهنده، مزاحم، مخل و حتی در بدترین شکل، مجرم، مورد سرزنش قرار می‌گیرند. این افراد در معرض سوءاستفاده و بهره‌کشی افراد واسط قرار دارند (مدینا، ۲۰۰۵: ۱۰). همچنین یافته‌های دیگری حاکی از آن است که زباله‌گردی در تهران عمدتاً توسط مهاجرین داخلی (ایرانی) و مهاجرین خارجی (افغانستانی و پاکستانی) انجام می‌شود. حدوداً ۴۰٪ کودکان کار به تکدی و زباله‌گردی می‌پردازند که از این میزان، ۳۱٪ آن‌ها کودکان افغانستانی هستند. این افراد عمدتاً در حاشیه شهر، در کوره‌های آجرپزی، زاغه‌های کوچک، شهرک‌های دور از دسترس و ... زندگی می‌کنند و از تحصیلات پایین و تغذیه نامناسب برخوردارند (پروین و دیگران، ۱۳۹۷).

"A10" مددکار اجتماعی درباره وضعیت این کودکان می‌گوید:

"بیشتر کودکان زباله گردی که در سطح شهر مشاهده می‌شوند، کودکانی هستند که بدون والدین و در خوابگاه‌های گروهی در حاشیه شهرها، نزدیکی گودهای زباله و حتی با فاصله بسیار زیادی از شهر به‌طور جمعی زندگی می‌کنند. در تجربه‌ای که من در شناسایی و جذب این کودکان در یکی از مناطق تهران داشتم، این کودکان همگی از افغانستان توسط فردی برای کار به ایران آورده شده بودند و هرروز صبح از حاشیه یکی از شهرها به آن منطقه آورده شده و شب از منطقه جمع‌آوری شده و به محل اقامت خود بازمی‌گشتند. در یکی از گشت‌ها با کودک زباله گردی مواجه شدم که به دلیل آن که نتوانسته بود در طول روز به میزان لازم پلاستیک جمع کند، اجازه بازگشت به سوله‌ای که در آن می‌خوابیدند را نداشت و شب را در خیابان سپری کرده بود".

"A3" فعال اجتماعی پیشکسوت در حوزه کودکان کار و خیابان معتقد است که:

"حضور کودکان در مشاغل آسیب‌زا از قبیل جمع‌آوری زباله، تفکیک زباله، حضور در کارگاه‌های خارج از شمول قانون کار محرومیت و آسیب کودکان را تشدید می‌کند".

بر اساس مطالعات اسنادی بیماری‌های افراد زباله گرد عمدتاً برای خودشان مغفول و ناشناخته است، زیرا آنها تمایلی به آزمایش و کنترل سلامت خود ندارند و بر اساس بررسی‌هایی که در یکی از گرمخانه‌های شهر تهران انجام شده، بیشتر این افراد بیماری‌های پوستی مانند قارچ و اگزما و هپاتیت داشته و خود از آن مطلع نبوده‌اند (پروین و دیگران، ۱۳۹۷). افراد زباله گرد دائم در معرض مواجهه با زباله‌های خطرناکی همچون مواد سمی، خون، مدفوع، شیشه شکسته، سوزم، لاشه حیوانات هستند و خطر ابتلا به بیماری‌هایی مانند کمردرد، اگزمای پوستی، سل، برونشیت، آسم، ذات‌الریه، اسهال خونی و انگل هستند (دیاس، ۲۰۱۵: ۳).

کودکان زباله گرد در معرض خشونت‌های روانی ناشی از برخورد دیگران با آنها و خشونت‌های کلامی، جسمی، جنسی و مالی هستند که این خشونت‌ها ممکن است منجر به افزایش احساس تحقیر و خشم از اجتماع در این کودکان گردد و این کودکان، خشونت را به‌عنوان مکانیسم دفاعی انتخاب کنند و یا جامعه‌ستیزی در این کودکان تقویت شود.

زباله گردی می تواند اعتماد به نفس، عزت نفس، احساس ارزشمندی و خودباوری را در این کودکان کاهش داده و تأثیرات روانی ناخوشایند و گاه جبران ناپذیری بر آنها داشته باشد. بسیاری از آسیب های این دسته شغلی برای کودکان جبران ناپذیر است. کودکان زباله گرد به دلیل ساعات طولانی تماس با زباله و محیط غیر بهداشتی، استنشاق بوی متعفن زباله و حمل بارهای سنگین در طی ساعات کار دچار انواع آسیب های فیزیکی مانند مشکلات تنفسی، مشکلات ستون فقرات و سایر بیماری های جسمی می شوند. زیرا نه فقط محیط کار این کودکان فاقد ایمنی و بهداشت است، بلکه محل سکونت آنها نیز عمدتاً در سوله های گروهی و حاشیه های شهرها و فاقد هرگونه امکانات بهداشتی است.

افزون بر آسیب های جسمی، این کودکان اغلب به دلیل مهاجرت های کاری برون مرزی، دور از خانواده بوده و نیز امکان تحصیل را به دلیل شرایط و ساعات طولانی کار از دست می دهند. زباله گردی فرصت های توانمند شدن و بهره مندی از مهارت های اجتماعی هم سطح با همسالان را از کودکان زباله گرد می گیرد. این کودکان به دلیل خیابان گردی های طولانی مدت نسبت به سایر دسته های کاری کودکان مسائل نامتناسب با سن خود را تجربه کرده و بیشتر در معرض گرایش به خیابانی شدن، بزهکاری و کجروی هستند.

۶- کار خانگی

کار خانگی کودکان، به آن دسته از کارهایی اطلاق می شود که در ظاهر در زمره کار بهره کشانه قرار نمی گیرند. اما در واقع اشتغال کودک به امور شغلی نامناسب با سن و موقعیت کودک است و می تواند در سلامت جسم و روان و رشد اجتماعی او اختلال ایجاد کند.

"A3" درباره کار خانگی کودکان معتقد است:

"اولین و مهم ترین دلیل کار کودکان شرایط اقتصادی کشور و به تبع آن تنگنای معیشتی خانواده های این کودکان است که عدم اشتغال و بیکاری والدین به آن دامن

می‌زند. در موارد نادر ممکن است والدین به دلیل بی‌مسئولیتی کودکان را به کار بگمارند. در برخی خرده‌فرهنگ‌ها دختر بچه‌ها را وادار به کار خانگی می‌کنند و این می‌تواند موجب تبعیض بین دختر و پسر در خانواده شود."

باید توجه داشت که برخی از کارهای خانگی با هدف تربیتی بوده و به همکاری و مسئولیت‌پذیری کودک مربوط می‌شود اما ضمن یادآوری تمرکز بر کار بهره‌کشانه، برخی این نوع کار را "کار پنهان" نامیده و معتقدند به دلیل خطرات بالقوه‌ای که برای سلامت و رشد کودک دارند، لازم است که مورد توجه قرار گیرند.

"A2" در این باره می‌گوید:

"یک روز در یک بیمارستان کودکی را دیدم که به دلیل قطع سه انگشت دست به بیمارستان آورده شده بود. علت را که جويا شدم فهمیدم که پدر کودک فوت شده و خانواده در حاشیه شهر تهران چند دام دارند که با آنها امرار معاش می‌کنند. کودک مسئولیت چیدن یونجه را بر عهده داشته و در هنگام چیدن یونجه سه انگشتش با داس قطع شده بود."

بنا بر نظر "A2"، کار خانگی می‌تواند شامل طیف وسیعی از کارهایی شود که توسط کودکان انجام می‌شود اما در معرض دید قرار ندارد و یا در نظر بسیاری از اعضای جامعه کار بهره‌کشانه و آسیب‌زا تلقی نمی‌شود، در حالی که آسیب‌های بسیاری را به همراه دارد. کودکان بسیاری در منزل مجبور و موظف به انجام امورات خانه، نگهداری از سایر فرزندان خانواده، کمک در اشتغال در منزل سایر اعضای خانواده نظیر مونتاژ، بسته‌بندی و کارهای تولیدی هستند تا تیراژ کار خانواده بالا باشد و با توجه به دستمزد اندک این کارها درآمد روزانه بیشتری کسب کنند.

در این شرایط کودکان حتی در صورت تحصیل نیز همه اوقات خارج از مدرسه را صرف اموری می‌کنند که در نهایت به اقتصاد خانواده کمک می‌کند و آنها را از پرداختن به امور مربوط به تحصیل و دوره کودکی بازمی‌دارد. در واقع این امر به صورت غیرمستقیم به کودکان تحمیل شده و به آنها تفهیم می‌شود که برای حفظ موقعیت خود در خانواده و

حفظ خانواده باید کارهایی که از آنها خواسته می شود را انجام دهند. اما کار پنهان به این موارد ختم نمی شود و در انواع مختلفی بر کودکان تحمیل می گردد و بنا به ماهیتش، آسیب های آن نیز به دلیل پنهان ماندن می تواند مخرب تر باشد. در واقع این گونه از کار کودکان بیش از سایر گونه ها با خطر غفلت از پیامدهای آن مواجه است.

۷- مشاغل بزهکارانه

مشاغل بزهکارانه، صرفاً از این جهت که اعمال خلاف قانون هستند و در قوانین ایران جرم انگاشته می شوند، بزه تلقی می شوند. اما در واقع مشاغلی هستند که کودکان ناخواسته و تحت اجبار و تهدید به آن گمارده شده و در ازای آن پول دریافت می کنند. چون کودک هستند و کمتر مورد ظن قرار می گیرند. "A2" در اصطلاح کار پنهان، علاوه بر مشاغل خانگی به نوع دیگری از کارهایی اشاره می کند که در ظاهر کسی متوجه آنها نیست اما کاملاً سودجویانه برنامه ریزی شده و از کودکان در امور خطرناک استفاده ابزاری می شود. او در این باره می گوید:

"کار پنهان خیلی فراتر از مشاغل خانگی است. در منطقه ۱۲ گروه هایی که اهل دعوا هستند، کودکان را اجیر می کنند تا در هنگام دعوا در جمعیت بچرخند و هر وقت طرفی را دعوا به او نشان دادند با چاقو بزنند و فرار کنند. چون هم به دلیل جثه نحیف و چابکی کسی بین دعوا به آنها توجهی نمی کند و هم در صورت گیرافتادن به دلیل کودک بودن جرم کمتر و یا گذشت بیشتری شامل حال او می شود. یا کودکانی که با وعده دریافت گوشی موبایل نقش هماهنگ کننده و جذب مشتری مواد مخدر را بر عهده می گیرند و با یک گوشی موبایل و کسب درآمد در مسیرهای خطرناکی قرار می گیرند که بزرگترهایشان در صورت ناآگاهی از آن غافل می مانند چون کسی نمی داند بچه که سرش توی گوشی است دارد چه کار می کند."

"A7" تن فروشی کودکان را نیز یکی از اشکال کار کودکان دانسته که معمولاً توسط بزرگسالان هدایت می شود و در سنین نوجوانی نیز به عنوان ابزاری برای درآمد تلقی

می‌گردد. او تأکید می‌کند که این مسئله فقط مربوط به دختران نبوده و پسران زیادی نیز در این نوع از کار درگیر هستند.

بحث و نتیجه‌گیری

به‌طور کلی بر اساس مطالعات اسنادی و یافته‌های حاصل از مصاحبه با مطلعین کلیدی، کار کودکان دارای تنوع و گستره‌ای نگران‌کننده است که آسیب‌های فراوانی را به‌طور مستقیم به کودک و در یک نگاه کل‌نگر به جامعه وارد می‌آورد. در این پژوهش، انواع کار کودکان در هفت گروه کار کارگاهی، دستفروشی، خدمات خیابانی، زباله‌گردی، تکدی و کار خانگی و مشاغل بزهکارانه دسته‌بندی گردید. برخی از این گونه‌ها نظیر زباله‌گردی، مشاغل بزهکارانه و برخی کارهای کارگاهی در زمره اشکال کار پرخطر (بدترین اشکال کار کودک) قرار می‌گیرند. این در حالی است که برخی کارهای پرخطر خانگی مثل کشاورزی و ... از فهرست ۳۶ شغل ممنوع برای کودکان و بدترین اشکال کار کودکان حذف شده‌اند و فعالان اجتماعی این را معضل بزرگی بر ممانعت از کار پرخطر کودکان و دفاع از حقوق کودک می‌دانند. برخی دیگر از کارها نیز به ظاهر آسیب کمتری برای کودک حداقل به لحاظ فیزیکی دارند.

تنوع و گستره کار کودکان در شهر تهران به اندازه‌ای زیاد است که ممکن است برخی کارها در این دسته‌بندی مطرح نشده باشند اما این امر دلیلی بر انکار آنها نمی‌شود. همچنین برخی کودکان ممکن است در بیش از یک گروه شغلی درگیر کار بهره‌کشانه باشند. ممکن است کودک در برخی ساعات دستفروشی کند و در برخی ساعات به جمع‌آوری یا تفکیک زباله پردازد. یا به‌صورت هم‌زمان در برخی کارهای پنهان نیز درگیر باشد. اما آنچه مسلم است، هرگونه کار بهره‌کشانه برای کودکان موجب اختلال در دوره کودکی، مسیر رشد و نیز در بزرگسالی است.

بدیهی است که استانداردهای جهانی از جمله دسته‌بندی سازمان بین‌المللی کار از انواع کار کودکان که شامل کار مفید، کارهای پرخطر و بدترین اشکال کار کودکان است، بهتر

می تواند فارغ از مصلحت ها، منافع و گفتمان های رایج در جوامع مختلف، گونه های شغلی کودکان را بر اساس آسیب های ناشی از هر دسته شغلی، پوشش دهد. با این حال، در این پژوهش، نوع دسته بندی گونه های شغلی که کودکان در کلان شهر تهران به آنها گمارده می شوند، با هدف کاربردی تر نمودن یافته ها برای طبقه بندی در ذهن مخاطبان و پیرو آن، تسهیل طراحی خدمات اجتماعی و رفاهی و مداخلات متناسب با هر گونه شغلی است.

این دسته بندی بر اساس نگرش مشارکت کنندگان در این پژوهش انجام شده و امید می رود چنین تفکیکی بتواند درک روشن تری برای افراد، سازمان ها و نهادهای سیاست گذار یا ارائه دهندگان خدمات اجتماعی و حرفه های یاورانه از انواع کار کودکان و آسیب های ناشی از هر یک ایجاد نماید و مسیر دستیابی به اهداف کلان کاهش و حذف کار کودکان را با راهبردهای خردتر و گام های کوچک تر هموارتر سازد.

امروزه مقاله نامه شماره ۱۳۸ سازمان بین المللی کار، حداقل سن را برای انواع مختلف اشتغال مشخص می کند: سن ۱۵ سال برای کار معمولی، سن ۱۸ سال برای کار پرخطر، سن ۱۳ سال برای کار سبک. بنابراین کار کودک کاری است که در واقع توسط کودکانی که جوان تر از حداقل سن تعیین شده می باشند و در یک یا چند نوع از این طبقه بندی ها انجام می شود. حمایت در برابر کار کودک به اکثر فعالیت های سودمند پذیرفته شده توسط کودکان اعم از این که رابطه استخدامی رسمی یا خویش فرمایی (یعنی در استخدام خودش) وجود داشته باشد یا خیر، خواه با حقوق یا بدون حقوق، برای چند ساعت یا تمام وقت، به صورت اتفاقی یا منظم، فصلی یا تمام سال، قانونی یا غیرقانونی گسترش می یابد (عبدالمالکی و موسوی انزهایی، ۱۳۹۳: ۷۷). علاوه بر این کار خانگی مثل تولیدات خانگی، کار در مزرعه، آوردن آب و ... نیز جزو فعالیت های غیرسودمند و کار مغایر با سلامتی و حقوق کودک محسوب می شوند زیرا سلامتی و ایمنی کودکان را به خطر می اندازند.

کار کودکان به شکل اجباری، سخت و زیان آور با اینکه سالهاست در قوانین بین المللی ممنوع شده است، اما همچنان در بسیاری از جوامع رواج دارد. ایران از

کشورهایی است که قوانین بین‌المللی منع کار کودک را بر اساس کنوانسیون حقوق کودک پذیرفته و علاوه بر آن در قوانین داخلی نیز کار کودکان کمتر از ۱۵ ساله را غیرقانونی اعلام کرده است. با این حال، هنوز هم کودکان بسیاری در ایران کار می‌کنند و این مسئله، افزون بر این که در سلامت اجتماعی و برخورداری آنها از حقوق کودکی مسائل بسیار جدی را ایجاد کرده است، از موانع مهم توسعه به شمار می‌رود.

بسیاری از کودکان در شرایط بهره‌کشانه‌ای کار می‌کنند و مورد استثمار قرار می‌گیرند به گونه‌ای که نه فقط مانع تحصیل آنها می‌شود بلکه اثرات منفی بسیاری نیز بر سلامت جسمی و روانی این کودکان دارد. کودکان افزون بر اینکه اندام ضعیف‌تر و آسیب‌پذیرتر در برابر آسیب‌ها و بیماری‌های ناشی از کار دارند، دانش و آگاهی اندکی نیز از خطرات کار دارند که باعث می‌شود کمتر از خود مراقبت کنند. کار کودکان، آن‌ها را در معرض بسیاری از آسیب‌های اجتماعی قرار می‌دهد. ناکارآمدی نهادهای آموزشی، رفاهی و اقتصادی این گروه را با خطرهایی مواجه می‌سازد که در صورت تداوم، هزینه‌های جبران‌ناپذیری برای جامعه و کشور خواهد داشت.

به نظر می‌رسد دسته‌بندی‌های انواع کار کودکان در ایران، متأثر از نوعی گفتمان است که در دو دهه اخیر بیشتر رواج یافته است. گفتمانی که بیشتر بر فاعلیت کودکان در کار بهره‌کشانه تأکید دارد و ستم‌دیدی و بهره‌کشی کودکان توسط سیستم‌های بزرگتر را کم‌رنگ کرده است و همچنین مبتنی بر مصلحت‌های اجرای قانون در جامعه است نه الزامات آن. این گفتمان برخی موارد نظیر مشاغل بزهکارانه (سرقت، جابجایی مواد مخدر و ...) را مشمول پیگرد قانونی و مجازات_ولو برای کودکان_ می‌کند، اما سایر مشاغل که آسیب‌های کمتری برای کودکان ندارند (مانند زباله‌گردی) مشمول جرم‌انگاری نمی‌شوند. این در حالی است که هم در قانون اساسی ایران، هم در قوانین بین‌المللی هرگونه کار بهره‌کشانه کودکان (حتی دستفروشی) ممنوع است و مهم‌تر این است که این مصلحت‌های اجرای قوانین، بیشتر بر کودکان به‌عنوان فاعل متمرکز می‌شوند، درحالی که کودکان کار

گونه شناسی کار کودکان و آسیب های ناشی از...، پیرخدان و همکاران | ۱۵۳

قربانیانی هستند که مورد بهره کشی و سوءاستفاده بزرگسالانی هستند که آنها را به کار وامی دارند.

در واقع نگرش به کار کودکان، جرم‌انگاری برخی مشاغل و ارزش گذاری برخی دیگر از مشاغل کودکان، تحت تأثیر گفتمان غالب در جامعه است که بر اساس مصلحت و منافع گروه‌هایی غیر از کودکان رواج یافته است. گفتمانی که شیء انگاری کودکان و نقض حقوق آنها را تقویت می‌کند و افکار عمومی را از جرم بزرگسالان بهره کش و ستمگر، به کودکان مورد بهره کشی و ستم‌دیده منحرف می‌کند. در نتیجه اغلب سیاست‌ها و مداخلات به جای تمرکز بر زمینه‌ها و سیستم‌های بهره‌کشانه، بر کودکان که قربانیان این سیستم‌ها هستند، متمرکز می‌شوند. در واقع به جای درون داد، توجه خود را به برون‌داد سیستم معطوف کرده و رویکرد پسینی را جایگزین رویکرد پیشگیری کرده‌اند. نتیجه این انحراف نیز بازتولید این آسیب اجتماعی (کار کودک) و تداوم سیستم بهره کشی و نقض حقوق کودکان است و به نظر می‌رسد، برای توقف این چرخه و ممانعت از بازتولید کار کودکان، آگاهی و تفکر در گفتمان‌ها نقش مهمی دارد.

کار کودک معلول و نمود نابرابری‌های اجتماعی و توزیع نامناسب امکانات و فرصت‌ها در نظام اجتماعی و نظام شهری است. به دلیل عدم دسترسی برابر به منابع کودکانی که وارد چرخه کار می‌شوند، فرصت و امکان فراگیری مهارت را نداشته و این نابرابری، نه فقط کودکی آنها را نابود می‌کند، بلکه در آینده نیز آنها بزرگسالانی بی‌مهارت خواهند بود که در چرخه بازتولید نابرابری قرار می‌گیرند. این بازتولید فقر، روند توسعه‌یافتگی را نیز دچار اخلال می‌کند. بنابراین آسیب‌های کار کودکان نه فقط به فرد و نهادهای خرد، بلکه در یک بعد وسیع‌تر کل جامعه را متأثر خواهد نمود.

شناخت درست انواع کار کودکان در شهر تهران می‌تواند به نهادهای متولی این حوزه کمک کند تا نیازهای کودکان و جامعه را در این زمینه به‌درستی شناسایی و ارزیابی کرده و با تمرکز بر علل، زمینه‌ها و آسیب‌های هرگونه شغلی، برنامه‌ها، تصمیمات و اقدامات خود را متناسب با گروه‌های هدف در راستای بهبود وضعیت کودکان طراحی و اجرا نمایند.

راهکارهای پیشنهادی

- توجه سیستم‌های خدمات اجتماعی و رفاهی به تفکیک انواع کار کودک با هدف تمرکز بر زمینه‌ها و آسیب‌های هرگونه از انواع کار کودکان و تنظیم سیاست‌ها و برنامه‌ها متناسب با هر یک از گونه‌های کار کودکان؛
- نظارت مؤثر بر مشاغل کارگاهی جهت بررسی استانداردهای لازم کارگاه با هدف تأمین و نظارت بر سلامت و ایمنی کار کودکان بین ۱۵ تا ۱۸ سال؛
- کار جامعه‌ای مبتنی آگاه‌سازی و حساس‌سازی نسبت به آسیب‌های کار کودک، ترویج حقوق کودک و مطالبه‌گری با هدف کاهش موارد نقض حقوق کودک؛
- پیگیری حقوقی در زمینه ضمانت اجرایی قوانین ملی و بین‌المللی منع کار کودکان و همگام‌سازی نهادهای ذی‌ربط و متولی در تحقق اجرای قوانین؛
- تنظیم و هماهنگی سیاست‌های کلان و برنامه‌های اجرایی با محوریت حفاظت از کودکان و صیانت از حقوق آنان، رفع موانع تبعیض و دسترسی به منابع و فرصت‌ها.

منابع

- آرزومندی، منیره و روشن پژوه، محسن. (۱۳۸۱)، «بررسی مقایسه‌ای مقیاس ناامیدی کودکان در میان کودکان کار و خیابان و کودکان محروم غیر خیابانی»، اولین سمینار بررسی آسیب‌های کودکان کار و خیابان و زنان سرپرست خانوار.
- آقاجان، امیر. (۱۳۹۵)، بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر پیدایش کودکان کار در شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- افشانی، سید علیرضا؛ عسگری ندوشن، عباس؛ حیدری، محمد و نوریان نجف‌آبادی، محمد. (۱۳۹۲)، «تحلیلی بر وضعیت کودکان خیابانی و کار در شهر اصفهان»، فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، دوره ۲۳، شماره ۴ (پیاپی ۴۸): ۸۵-۱۰۲.
- پروین، ستار؛ مرادی، علیرضا؛ دنیایی، ام‌کلثوم و داودی، مریم. (۱۳۹۷)، «مهاجرت و زباله‌گردی، به‌مثابه شیوه نوظهور زیست شهری»، دو فصلنامه مطالعات جمعیتی، دوره ۴، شماره ۱: ۱۹۹-۲۸۸.
- حسین پور، فاطمه؛ جلالی، محمدرضا؛ شعیری، محمدرضا و خزایی، محمد. (۱۳۹۲)، «تأثیر کار با گل بر پرخاشگری کودکان دبستانی»، فصلنامه مطالعات روانشناسی بالینی، دوره ۳، شماره ۱۰: ۱۳۹-۱۵۳.
- حسینی، سید حسن. (۱۳۸۴)، «وضعیت کودکان کار و خیابان در ایران»، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال پنجم، شماره ۱۹: ۱۷۳-۱۵۵.
- رمضانخانی، علی؛ یزدخواستی، منصوره و عبدی، فاطمه. (۱۳۹۴)، «سیاست‌گذاری سلامت کودکان خیابانی: چالش‌ها و راهکارها»، مجله علوم پزشکی رازی، دوره ۲۳، شماره ۱۴۵: ۸۸-۹۸.
- سازمان بهداشت جهانی. (۱۳۸۸)، کار با کودکان خیابانی، ترجمه: محمد زاهدی اصل، منیره آرزومندی و دیگران، تهران: دانش، چاپ اول.
- شارع پور، محمود. (۱۳۹۱)، جامعه‌شناسی شهری، تهران: انتشارات سمت، چاپ اول.
- شالچی، وحید و میرزا بابایی، سیما. (۱۳۹۴)، «تجربه کودکان خیابانی شهر تهران از مداخلات سازمان‌های رفاهی»، فصلنامه رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۲۵: ۲۹۳-۲۲۶.

- طالبی، نادر. (۱۳۸۹)، کار کودکان و بازتولید نابرابری اجتماعی؛ مطالعه موردی: کودکان تحت پوشش جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- عبدالمالکی، مهدی و موسوی انزهایی، سیده زهرا. (۱۳۹۳)، «کودکان در کار پرخطر»، ماهنامه اجتماعی، اقتصادی، علمی و فرهنگی کار و جامعه، شماره ۱۶۸: ۷۷-۸۳.
- قاسم‌زاده، فاطمه. (۱۳۸۲)، «کودکان خیابانی در تهران»، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال دوم، شماره ۷: ۲۴۹-۲۶۳.
- کرمانی، علیرضا. (۱۳۹۰)، «کودکی، شهر و فضاهای شهری: تأملی جامعه‌شناختی بر برنامه‌ریزی شهری در ایران»، روزنامه شرق، شماره ۱۴۵۳.
- مارکس، کارل. (۱۳۸۶)، سرمایه: نقدی بر اقتصاد سیاسی، ترجمه: حسن مرتضوی، جلد اول، تهران: نشر لاهیتا، چاپ اول.
- محمدی، خلیل. (۱۳۹۴)، «بررسی عوامل مؤثر بر بروز پدیده کودکان خیابانی و راهکارهای مقابله با آن»؛ فصلنامه علمی تخصصی دانش انتظامی پلیس پایتخت، سال هشتم، شماره پیاپی ۲۶: ۵۷-۷۷.
- محمودیانی، سراج‌الدین. (۱۳۹۵)، «مهاجرت و تکدی در شهر تهران: چالش‌ها و الزامات سیاستی». فصلنامه جمعیت، سال بیست و سوم، شماره ۹۵ و ۹۶: ۲۵-۴۹.
- معارف‌وند، معصومه، صادقی، صابره و شجاع، آزاده. (۱۳۹۳)، «رابطه خلاقیت و تاب‌آوری کودکان کار». فصلنامه مددکاری اجتماعی، سال ۱۳۹۳؛ دوره ۱، شماره ۳: ۱۰-۱۵.
- مهربانی، وحید. (۱۳۹۵)، «مطالعه پدیده تکدی‌گری در منطقه ۱۲ و بازار سنتی تهران با تأکید بر جنبه‌های اقتصادی»، فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی، سال پنجم، شماره ۱۸: ۱۴۵-۱۷۰.
- وامقی، مروّنه؛ روشنفکر، پیام؛ دژمان، معصومه؛ رفیعی، حسن و ستاره فروزان، آمنه. (۱۳۹۳)، «بررسی ترکیبی و ارزیابی سریع وضعیت کودکان خیابانی و ویژگی‌های کار آنان در تهران». مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران، دوره ۶، شماره ۲: ۳۹۱-۴۱۷.

گونه شناسی کار کودکان و آسیب های ناشی از...، پیرخندان و همکاران | ۱۵۷

- وامقی، مروئه؛ سجادی، حمیرا و رفیعی، حسن. (۱۳۸۸)، «مرور نظام مند مطالعات کودکان خیابانی در یک دهه اخیر در ایران»، گزارش طرح تحقیقاتی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.

- وامقی، مروئه و همکاران، «ارزیابی سریع وضعیت کودکان خیابانی شهر تهران ۱۳۹۲ (علل و خطرات کار کودکان در خیابان)»، مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، شماره ۱: ۳۳-۵۷.

- وامقی، مروئه؛ رفیعی، حسن؛ سجادی، حمیرا و رشیدیان، آرش. (۱۳۹۰)، «مرور نظام مند مطالعات کودکان خیابانی در دهه اخیر در ایران: عوامل خانوادگی مرتبط و پیامدهای خیابانی شدن کودکان»، مجله مسائل اجتماعی ایران، شماره ۱: ۱۳۵-۱۶۵.

- ولد، جرج. (۱۳۸۷)، جرم شناسی نظری، ترجمه: علی شجاعی، تهران: انتشارات سمت، چاپ اول.

- UNICEF. (2001). *Poverty and Exclusion among Urban Children*. INNOCENTI Digest No10, UNICEF Innocenti.
- Bukoye, Roseline Olufunke. (2015), "Case Study: Prevalence and Consequencies of Streets Begging among Adults and Children in Nigeria, Suleja Metropolis, Procedia". *Social and Behavioral Sciences*, No. 171, 323 – 333.
- Cho, Soo-Haeng; Fang, Xin; TAYUR, Sridhar; and XU, Ying. (2019). "Combating child labor: Incentives and information disclosure in global supply chains. Manufacturing and Service Operations Management". *Research Collection Lee Kong Chian School Of Business*. 21, (3), 692-711.
- Dias, Sonia Maria and Ogando, Ana Carolina. (2015), "Rethinking gender and waste: exploratory findings from participatory action research in Brazil". *Work organisation, labour&globalization*" 9. 2: 51-63.
- Einstadter, Werner and et al (2006). *criminological theory: an analysis of its underlying assumption publishers*.INC.
- International labour organization. (2017). *Global estimates of child labour Results and trends 2012-2016*. Geneva.
- Medina, Juan. (2005). *Model for Analysis and Simulations (MAS): A New DSGE for the Chilean Economy*. Mimeo, Central Bank of Chile.
- Okech, Victor Otieno. (2018). *A Review on the Typology of Child Labour*. The Comenius University in Bratislava, Faculty of Education, Department of Social Work, Slovak Republic.
- Ozbay, Ferhunde. (1999). "Turkish female child labour in dimestic work: past and present". *Project Report prepared for ILO/IPEC, Istanbul*.

- Poulantzas, Nicos. (2008). *The Poulantzas reader*, edited by James Martin, London: Verso
- Rosario, del Rosario and Bonga, Melinda A. (2000). "Child Labor in the Philippines: A Review of Selected Studies and Policy Papers". *Office of the Chancellor for Research and Development*, University of the Philippines.
- Siegel, Larry. (2017). *Criminology: Theories, Patterns, and Typologies*. (MindTap Course List).Thamson-Wadsworth.
- Yasmin, Nilufar and Reza, Manjurul Hossain. (2019). "Child Labor Scenario of Bangladesh: Some Recommendations About to Ban the Child Labor", e-ISSN: 2682-7662, Volume 1, Issue 3" 277-287.